



کارگر
کمونیست
 ارگان اتحاد مبارزان کمونیست

۱۰ آرجمهت ۱۳۱۲ ۰۰ ریال

بیانیه اعلام موجودیت
کمیته برگزارکننده کنگره
مؤسسه حزب کمونیست
 ترجمه ۱۲

اطلاعیه
کمیته برگزارکننده خطاب
به سازمانهای سیاسی
 ترجمه ۱۶

در این شماره - بیانیه اعلام موجودیت کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسه حزب کمونیست ایران است و همچنین نامهای این کمیته را خطاب به سازمانهای سیاسی اینوزیسون که تحت نام ما رکشم فعالیت میکنند چاپ کرده ایم. در شماره های دیگر درباره وظایف و اقدامات این کمیته توضیحات بیشتری خواهیم داد. در ضمن لازم به تذکر است که نامه کمیته خطاب به سازمانهای دیگر مستقیماً از طریق کمیته برای این سازمانها فرستاده نمیشود و مابرای اطلاع عموم به چاپ آن اقدام نمیکند.

سرفاله
کمیته مرکزی اتحاد
مبارزان کمونیست
به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر است و مبارز کمونیستها در تمام کشورهای جهان در این روز از تمام نیروهای سوسیالیست و انقلابی برای آزادی و برابری و برابری و برابری مبارزه میکنند. در این روز مبارزان کمونیست ایران و اتحاد مبارزان کمونیست را در این روز مبارز کمونیستها در تمام کشورهای جهان مبارزه میکنند.

به مناسبت اول ماه مه:
پرچم حزب کمونیست
را برافرازیم!
 ترجمه ۵

در صفحات دیگر بدواید:
 • مجاهدین قانون کار را در چه پهن خواهند نوشت صفحه ۱۵
 • نکاتی درباره وظایف تبلیغی کمونیستها در قبال جنبش انقلابی خلق کرد صفحه ۲۴
 • پاسخ به نامه ها صفحه ۲۹

گراهی با اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

ادامه مقاله: پیام کمیته مرکزی ...

رنگارنگان برای کمربند کردن و خاک پا عهدن
برسخت طبقاتی این عهد جهانی بردگان جامعه
سرما به داری به تکاپو می افتند در این روز
سخنوران و قلمزنان بورژوازی از هر منگدی
بهرون میخورد و ملبیونها عبارت برسطعطراف
در ستایش آفتاب طبقاتی کارگران و
سرما به داران از حنجره ما و فلسفای ریاسکار
عود بهرون می رسزند.

آنان که بقا نظام انگلی خود را بر مصلحت
و بیسگاری هر روزه مدعا می بین کارگر تر و
سرد و پیروز غردسان متکی کرده اند آفتاب
که از اول ماه مه پارسیان تا کتون مسئول
میلیاردها روز کار دیگر را در کسبهای گفاد
خود رفته اند آنان که رفعا نهایشان را از
برهبران مبارز کارگران پر کرده اند و شکنجه
گاهها و سها دین اعدا شان را بوی مبارزین
راء رهائی طبقه کارگر به آخرین تجهیزات
آراسته اند همه در این روز زبان می گشایند
و در برشردن نجات جامعه سرما به داری برای
کارگران سربزیر و پرده بار داد سخن میدهند
در این روز همه کارگر میشوند از راکفترها
و رنگان ما و قاطرها و آندرو پیفها تا این و
آن آیت الله و تیسار و شکنجه گره همه و همه
در مدعا ایستگاه تلویزیونی و تالار و مجلس
و منبر ظاهر میفوقند تا در همه شب بازی کارگر
دوستی و کارگر پرستی بورژوازی حرکت کنند
و هر آنکی که جنایاتشند کارگری را از حد گذشته
باعد و با هیچ قسم و آبهای نتواند مدعی
کارگر بودن و کارگر نرازی عود به "روایات
سند و معتبر" توسل می رسزند تا ثابت کنند که
سه هزار سال قبل روزی برسطرقت و رهبر

بسیزرگوارین در کوره راهی به کارگری سلامتی
داده و بی "اندر نواید کار و کارگر"
رساله ای نگاشته است.

هر روز اول ماه مه بورژوازی در حراسر
جهان در پلجان حکومت نظامی اعلام میکند و همه
ارتشها و ساواکیه و سیاها و سوسا و سیاها
آماده باش میدهند فیسوسان و مزدوران
را در کارخانجات و محلات کارگری نجای میکنند
و همه ارگانهای سرکوب و ستم و تحمیف خود را
بناگرمی اندازند تا این روز بی بسلا بگذرد.

ایشان در این مملوک تهرین و سخرول تهرین
حکومت بورژوازی جهان ه اول ماه مه به هر
طریق ممکن و با فوت و تولد و هجرت و وطنه
این با آن آیت عظمی و حیت الاسلام تطبیق
میشود تا شاید اهمیت طبقاتی این روز صحیح
عود تا شاید شمار ما و سرورهای یز زنده و بابقاتی
کارگران در لایلی توجه خوا آنها و سینه زنیها
و ذکر جمعیت های جمعیت های گرایه ای و بلند
گوهای گوناگون حکومت غری عود
پراستی اول ماه مه طولانی ترین و سخت
ترین روز سال برای بورژوازی و شوکران رست
درختا و در سراسر دنیا است.

اما پیام طبقاتی اول ماه مه بیسی از هر
زمان دیگر در ذهن طبقه کارگر ایران زنده
است حبسنگی و تفکال طبقاتی هم را اول سها
مه است و هیچ بخش از طبقه کارگر جهانی
امروز به اندازه کارگران ایران به
حقیقت انگارنا بدسر این عمار واقف نیست
زیرا هیچکی به اندازه طبقه کارگر ایران
در سالهای اخیر طعم تلخ تفرقه بی تفکلاتی
و دنیا بینی از طبقات دیگر را نچشیده است
کارگران ایران در مقیاس میلیونی بحسب رکش



درآمدنده قربانیان بسیار دادنده دست به
اسلحه بردند و بر علیه فقر و استثمار بی حقوقی
سهای قیام کردند، اما قدرت مستقل و متفکر
خود را برجای آنچه منهدم میکردند نماندند.
۴ سال گذشته شاهد این بود که چگونه انقلاب
و قیامی که میتوانست یک حکومت کارگری بدون
چون و چرا بسازد و آورد، عقیم ماند و شاهد
این بود که چگونه عمیلی ها و بازار گانها و
پنشنی صفرها برجایی ما آویزان شدند و به
نیروی خود ما بر ما حاکم شدند و شاهد این
بود که چگونه پراستی حتی خونین ترین قیام
کارگران غیر متفکره قیام کارگران غیر مستقل
قیام کارگران ناکند حزب طبقاتی دیز جدا کسر
تنها به انتقال قدرت میان دشمنان طبقاتی
طبقه کارگر میا نیامد. آری اکنون نرس و
پنجم اول ماه مه در خون مدتها هزار کارگر آگاه
ایران جریان دارد. پنجم اول ماه مه همبستگی
و تفکر طبقاتی و چکیده نرسای تاریخی و
سپس است که کارگران ایران به بهائی گزاف
آموخه اند.

بی تردید اول ماه مه اصل میتواند
آغازی نوین برای طبقه کارگر ایران باشد.
تداوم اعتراضات و مبارزات کارگری در عراقی
که دیگر افعال معتبر جامه به انگال مختلف
از آنها به مبارزه انقلابی بازمانده و ناتوان
گشته اند و سرودت فضاحت با ر قانون کار
اسلامی سرمایه با ابتدائی ترین جلوه های
مقاومت و اعتراض کارگران، گواهی نیرو و توان
عظیم جنبش طبقه است و امروز این طبقه

و نقشای کارگر!

باید امسال چمن اول ماه مه را تحت هوس
مرا بطی هر چه با عکوه کسر بر گزار کنیم.
گر نه ما می های خود با هزاران رهی مبارزی

زنده بماند انترناسیونالیسم پر و تتری!

حزب خود متکی خواهیم - در مغرب حزب کمونیست
ایران گرد آید و کاری کنیم که اول ماه مه
آینده بهیچ سرخ حزیمان بر هرگاهانه و کوی
کارگری در اهتزاز باشد و سرود جهانی پیشین
حزب کمونیست و انترناسیونال در مناسبت
یکبارچه کارگران ایران طبقین اندازد.

گراسی باد اول ماه مه
پدروزیاد جنبش جهانی طبقه کارگر
زند باد حزب کمونیست
زند باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست
۱ اردیبهشت ۱۳۱۲



را که راه جهانی طبقه کارگر و راه حزب
کمونیست را یا جانبازی خود کوفتند و هموار
کردند گراسی پدرانیم و پیمان خود را به ادامه
راه آغان تجدید کنیم - پیمان میفهمیم که بسا
تمام وجود برای از میان بردن هر نوع تفرقه
و شکاف در صفوف جنبش کارگری خواهیم چنگید
پیمان ببندیم که طبقه دم یا هر آنچه نشانسی از
نظام استعمار و حتم طبقه اتی جامعه سرمایه داری
پیر خود دارد سازش نخواهیم کرد - پیمان ببندیم
که دیگر اجازه نخواهیم داد مبارزان کارگران
بازیمه دست احزاب و سیاستمداران عوامل طبقه
مستغلات دارا گردد - پیمان ببندیم که عسود
آخرین نسل کارگزارانی خواهیم بود که به بردگی
سرمایه تن دادند و عزم جزم کنیم تا رسالت
طبقه اتی خود راه پیشوان گورکن سرمایه داری
این پیمان از تاریخ بشریت فاطمانه به انجام
خواهیم رساند.

رفقا!

چنان سرمایه داری امروز در اوج توسعه و
پیشرفت است و عاجز و بیچاره زده و محنتگر است
بهیچ روز انقلابی ایران خود سبیل و بهیچ
گواهی این بهیچیت و ناتوانی و نومس و بیچاره
است - ما با مبارزه و پیروزه بیچاره سال
نبرد بیچاره در سخت ترین و در همین حال
متحول ترین شرایط یک جامعه انقلابی بسا
ها در همین نبردهای ارتجاعی پیروز و آزی و امیر -
یا لیسیم - اکنون ما را برای نبردهای تاریخ ساز
طبقه اتی آینده کرده است.

رفقا!

ما بیچاره و نیرومند پس به خود و به



بمناسبت اول ماه مه:

پرچم حزب کمونیست را برافرازیم!

رفقای کارگر!

معادن زغال سنگ انگلستان در برافراز کار
۱۸ ساعته و ۲۰ ساعته هر روزه جان می سپردند
تا امروز پس وقفه بر طبقه سرمایه داری وفلاکت
و بی حقوقی که به اکثریت عظیم جامعه تحمیل کرده
است جنگیده است. شرطی این مبارزات روز بروز
بر آگاهی کارگران به شرحه تفکرات و احسان انسان
و در نتیجه بر نیرو و قدرت طبقاتی آنان افزوده
شده است. رهبران برجسته کارآمد و از جهان
گذشته ای از نسل این مبارزات بهیرون آمدند که در
گردآوری و سازماندهی و رهبری آردوی کار و جلب
و جذب و مستقرین توده های کارگر به مبارزه علیه
استثمار و کجاست سرمایه دهن و تالیفات حمایتی
و تاریخ سازی برجای گذاشتند.

اول ماه مه میل منقارائی دو دنیای متضاد
در مقابل یکدیگر است. دنیای کار که برای
آزادی و برابری تمام افراد بشر مبارزه میکند
و دنیای سرمایه که برای حفظ زنجیرهای
آسارت و بردگی و استثمار انسان از انسان به
جفاقت و توطنه مشغول است. دنیای کار که
میلیاردها کارگر و زحمتکش محروم از همه
چیز بجز نیروی کار کردن را در صفوف خود دارد و
دنیای سرمایه که تمامی ابزار کار و کارخانهجات
و موسسات بزرگ و کوچک را در اختیار مقتضی
سرمایه دار استثمارگر و انگلیس صفت قرار داده
است.

در یکسوی دنیای میلیونها نفر کارگر
قرار دارند که برای زنده ماندن تا گزیر از نیروی
نیروی کار خوب اند و نیروی دیگر صاحبان
قلیل سرمایه که به "انباغت و انباغت"
می اندیشند و آنها همان برای بلعیدن نیروی
کار کارگران به نازلترین قیمت و سزوی
نی غناسد. تاریخ بر افتخار جامعه سرمایه داری
تاریخ تسله پس از نسل کارگرانی است که به
بردگی هر روزه چشم گشودند و برده از جهان
رفتند. سرمایه داری تنگی پر دامان بشریت
است که باید زدوده شود. مبارزه طبقه کارگر
برای رهائی بشریت از یوغ سرمایه داری نیز به
اندازه خود سرمایه داری قدمت دارد. طبقه
کارگر از زمانیکه کودکان هفت ساله های در

یکی از معروفترین و با عظمت ترین این
مبارزات نبود تاریخ و طبقاتی کارگران آمیکا
برای هفت ساعت کار در روز موقوف شدن امرج
مزد مساوی برای زنان و مردان، حسی آزادی
بشان و تشکیل اتحادیه و سایر مطالبات
کارگری در سال ۱۸۸۶ میلادی.

امداد این مبارزات به اندازه ای گسترده و
مطالبات آن چنان منطقی بر خواستها و امیالی
میلیونها کارگر تحت تسلط و استثمار بود که
بزودی موجی از اعتصابات و تظاهرات و مسیح
و میلیونی سراسر امریکارا در بر گرفت. مرکز
این مبارزات شهر شیکاگو بود که بهیسی
از ۲۰۰ هزار کارگر در آن دست به اعتصاب و

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!

نظرات رده بودند.

توس و وحتتیرای سرمایه داران و پلمس و حکومت آنان را ترا گرفته بود. اعتبار و قدرت نامحدود آنان برای استثمار کارگران را ظری جدی تهدید میکرد. سرمایه داری با تمام سلخهای خود از قانون و دادگاه و پلمس و تفنگ و بمب و جاسوس به میدان آمده با انفجار بمبی در صفوف پلمس توسط یکی از جاسوسان حکومت سرمایه به پوری وحتتیرا به صفوف کارگران و تراکز کارگری آغاز شد. بعد از ۷۰ نفر از کارگران کشته و متجاوز از ۱۵۰ نفر زخمی شدند. تلفات و اموات کارگران غارت شده و به آتش کفیده شدند. رهبران کارگران دستگیر و چند روز بعد در بهدادگاههای سرمایه به بهانه "واهی و بیوج بمب اندازی" محسوس شد. فی الاخرین شناخته شد. ودر روز اول ماه مه پدار آورخته شدند.

بدینسان روز اول ماه مه روز مصادق تاریخی دو دنیای کار و سرمایه امروز اعلام جنگ جهانی دنیای سرمایه به کارگران و روز برفاضالان نقاب از چهره کره و خدائاتی سرمایه است.

در این روز سرمایه داری آشکارا نشان داد که جوهر و اساس مناسبات و روابط این دودنیای متضاد را فقط زور و نیرو تعیین میکند و بس سرمایه داری نشان داد که برای تداوم و حفظ بساط استثمار و جها و لگرمی از دست زدن به هیچ جنایتی روگردان نیست. همچنین در این روز قریباً دنیای کار جنبی بر اعتقاد سرمایه پسندگی سرمایه داری جنبی بر عزم و اراده ای به رهائی بفریت از سه روزی و نکبت و خاند خرابی حاصل از آن در جهان ظنن افکند. در این روز رهبران مبارزات خلق طلبانه "توده های کارگر تر عیقا گوی آمریکا با افتخار و سری

الترافقه در مقابل جویبه های نار سرمایه ایستادند تا اراده و تصمیم خلق تا به کارگران را برای ظهوری حاکمیت سرمایه و رهائی انسان از قید اسارت و بردگی و استثمار به همه جهاغیان اعلام کند.

این روزها اولین گذرگاه تقرباً سونیا لیدوم کارگران در سال ۱۸۸۹ یعنی در روز جهانی کارگر و روز جن همبستگی و اتحاد دنیای کار در مبارزهای برای نامبودی نظام سرمایه داری شناخته شده است. کارگران سراسر جهان در غرایب و موقعیتهای گوناگون با گریه های ها و تجمعات و راهپیماییها و جشن و سرورهای مملکتیها عظمی یاد این روز بزرگ را گرامی میدارند و با بهادرانغاسواد، رفقای که توسط حکومت سرمایه اقدام و ساستنگیر شده اند، با بحث و تصمیم گیری در مورد مسائل و مشکلات مبارزاتی خود و با تبادل نظر و طرح نقش عملی برای بهتیبورد امور مفترک خود حقوق خودی را فریبستارزه علیه حاکمیت سرمایه هرچه بیشتر آگاه و متفکر و متحد میکنند.

روز اول ماه مه برای کارگران یاد آور و زنده کننده آرمان اتحاد همه کارگران سراسر عالم در مقابل تمامی سرمایه داران دنیای و منافع مفترک همه کارگران جهان در برابر سرمایه داران است.

همان اندازه که روز اول ماه مه با یاد آوری قدرت و همبستگی جهانی و عکست تا پذیر کارگران موجب تقاضای و جشن سرور توده های کارگر میشود به همان اندازه دنیای سرمایه و استثمار و جها و لگرمی را به وحتتی اندازد. سرمایه داران و استثمارگران عمار این روز یعنی "کارگران جهان متحد شوید" را ناقوس مرگ خود و پایان بخشیده بساط



چهار ولگری و استثمار و مفت خوری خود میدهند. به همین علت هر سراسر دنیا حکومتهای سرمایه داری راهبیمائی و تظاهرات توده های کارگر را در این روز مشغول میکنند. پلیس و ارتش خود را در کنار دسته های مزدور و مسلح اعصاب شکن به جان توده های کارگر می اندازند. از تعطیل و جشن عمومی ممانعت میکنند. در محلی کشورهای اصولاً اول ماه مه را برسمیت نمی شناسند و در آنجا که قادر به جلوگیری از برگزاری مراسم و گردیمائی توده های کارگر نیستند میکوشند تا این حرکت را از مسیر طبقاتی خود منحرف کرده و به بیراهه بکشانند.

در ایران رهبر حکومت اسلامی سرمایه بسیار لایه ای از این قبیل که "سرمایه دار هم کارگر است" خدا هم کارگر است و مورچه و موربانه هم کارگرند و هر روزی روز کارگر است " سر سبردگی و تعلق اشکار خود و حکومتی به دنیا ی سرمایه و استثمار را به نمایش گذاشته است. در ایران دولت اسلامی سرمایه حتی از برسمیت شناختن نوع کارگر هم در قانئون کار خد کارگری خود داری کرده است.

حکومت اسلامی سرمایه در ایران در مقابله یا چنین کارگری هم تو و هماهنگ با سایر دول سرمایه داری جهانی عمل میکند. پورچی به سازمانها و تشکلهای کارگری و کمونیستی و انجمن و جمعیت غوراها و سایر تشکلهای واقعی کارگران و اغراجهای دستجمعی توده های کارگر دستگیری و شکنجه و اعدام عدها کسارگر مبارزه پیرو و کمونیست و ممنوع کردن هر

نوع تبعیض و تظاهرات و اعصاب کارگری به رسمیت شناختن هیچگونه حقوق سیاسی و مدنی برای کارگران و تعلیم و سازماندهی دسته های نیروی سستی و فاعیستی و جزیب اللهی اعصاب شکن برای حلقه به هر نوع حرکت اعتراضی کارگران و زحمتکشان و اینها و عدها موارد دیگر اقداماتی هستند که نه فقط توسط حکومت اسلامی سرمایه در ایران بلکه در تمامی دنیا ی سرمایه داری از آرزو یقین و اسرائیل و آمریکا گرفته تا انگلستان و ژاپن و آلمان و از هند و ستان و عراق و پاکستان گرفته تا فرانسه و لهستان و آفریقای جنوبی به اشکال گونا گونی صورت میگرفتند.

در طول بهی از ۱۰ سال ما کمیت جسمی ووری اسلامی هزاران کارگر مبارز اغراج، دستگیری اعدام عدها دادند. استثمار توده های کارگر تصدید عده و عقب نهی هائی به نفع سرمایه و استثمار به جنبش کارگری تحصیل گردیده است. به همین همین عدها ت جمهوری اسلامی به سرمایه و امپریالیسم اسال اول ماه مه رفقای مبارز بسیاری در میان ما هستند. حکومت اسلامی حقایق فوق را با هر پورچی و سبمی که به کارگران و زحمتکشان آورده با هر ضربتی که به جنبش کارگری و کمونیستی زده است و با هر قدمی که کارگران و زحمتکشان ایران را به عقب رانده است به نهی سرمایه و امپریالیسم رو کرده و پایت این خود خستنی و پایت نسلانی مادامی برای بازگردانیدن عظمت آریا سوری برای سرمایه و امپریالیسم در ایران طلب عدال و تأکید و پایداری کرده است.

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم



در چنین شرایطی است که حکومت جمهوری اسلامی حمله سراسری و همه جانبه خود را به کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و مخصوصاً خلق رزمنده و مبارز کرد آغاز کرده است. از یک طرف با طرح قانون کار و قمعانه و ضد کارگری مذهب دولت اسلامی و تلافی برای تثبیت آن کوشیده است تا به حقوقی مطلق و استثنای بی حد و مرز کارگران توسط سرمایه را رسمیت قانونی بخشد. و از جانب دیگر با شروع سهمگین و گسترده ترین یورش نظامی خود به کردستان انقلابی و این سنگر کارگران و زحمتکشان و قلب تپنده انقلاب خواسته است تا این کسانون انقلابی را خاموش کند. حکومت اسلامی سرمایه امیدوار بود که عید امالی کارگران مستعد بدگان را به عزای تبدیل کند. اما جمهوری اسلامی در هر دو زمینه پاسخ دندان شکنی گرفته است. قانون اسلامی کار چنان موج سهمگی از اعتراض و مخالفت را در میان توده های کارگر برانگیخت که سران حکومت دخالت خود در تدوین این قانون را منکر عده و برای جلوگیری از گسترش و تعمیق مخالفت و اعتراض کارگران بی سر و صدا آنها پس گرفتند. در کردستان انقلابی هم رژیم با چنان موجی از مقاومت مسلحانه زحمتکشان تحت رهبری کمونیستها مواجه گردید که ابدا انتظارش را ندادست. رژیم در یکماه اول سال ۱۳۶۲ بهی از هزار نفر فقط در مواجه با نیروهای مسلح کمونیستها به رهبری سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له - گفته و زخمی داده است.

مهمتر از همه طبقه کارگر ایران عید اول ماه مه سال را پس از ۶۰ سال در شرایطی برگزار میکند که علمبرگ همه خریسات و ضایعات و عقب دستی هاست در آستانه تشکیل

ما زمان سیاسی و سراسری عوده در آستانه حزب کمونیست قرار دارد. طبقه کارگر امسال عید اول ماه مه را در شرایطی برگزار میکند که هر چند قدمی فتح اساسی ترین و بنا اهمیت ترین سنگر مبارزه بر علیه سرمایه داری در چند قدمی تشکیل حزب مستقل طبقاتی آن حزب کمونیست و برافراختن پرچم این حزب در صف مقدم توده های مبارز و معترض کارگر و همه قریباً نیا نتم و استنما سرمایه و امپریالیسم قرار دارد.

حزبی که انقلابی ترین و بهترین و بهترین و آگاه ترین کارگران و انقلابیون کمونیست را در یک سازمان واحد و در زیر یک پرچم واحد متحد و متشکل خواهد کرد. مبارزات پراکنده کارگران را هماهنگ و رهبری خواهد کسرد و ستاد رهبری کننده مبارزه طبقه کارگر و توده های تحت تسلط بر علیه سرمایه و حاکمیت آن در هر لباسی چه اصلی و چه غیر اصلی خواهد بود.

جنبش کمونیستی طبقه کارگر در طی ۴ ساله اخیر موفق شده است که قدم بقدم راه تشکیل چنین حزبی را هموار کند. قدم بقدم معیان دروغین مارکسیسم و کمونیسم را رسوا و طرد کند و پایه ها و مبانی استقلال ایندولوزیستیکه سیاسی و تشکیلاتی پرولتاریا در مبارزه علیه حاکمیت سرمایه را مشخص و تحکیم و تثبیت کند. ماهیت درد کارگری نظریات و اهداف این جنبه ها تا روز بروز بنیستی و پرولیتستی آنها شده و در مقابل با اهداف و آرمانهای انقلابی پرولتاریا فریر نامه حزب کمونیست معض و بیان شده اند. رونما و شیوه های عملی کار این جنبه ها در عرصه های تبلیغ و ترویج و سازماندهی و رهبری



مبارزات کارگری نقد و طرد شده و در مقابل سبک کار و شیوه کمونیستی مبارزه در عرصه‌های مختلف مدح و معین گفته اند و سرانجام کجسته برگزرا کنند. کذکره موس حزب کمونیست متفکک از نمایندگان پیکترین و پشرونسرم سازمانهای کمونیستی برای تدارک کذکره موس حزب کمونیست در آتیه نزدیک تشکیل گردیده است.

اکثون طبقه کارگر ایران مسی روند که حزب خرد سازمان مستقل طبقاتی خود را در مقابل تمامی سازمانها احزاب و جریانات ضد کارگری برپا دارد. اکثون طبقه کارگر ایران میروند تا با بزم مستقل طبقاتی خود برنامه حزب کمونیست و با سلاح مستقل طبقاتی خود حزب کمونیست وارد صحنه مبارزه سیاسی طبقاتی خود.

چم انداز تشکیل چنین حزبی از هم اکثون تمام جریانات سازمانها و احزاب ضد کارگری و غیر کارگری را آغشته و نگران کرده و تکاپو داداشته است. هر یک از اینها به نحوی ناراضی و مخالفت خود را با تشکیل حزب کمونیست ابراز میدارند. آنها تحلی چنین چشم اندازی را پایان روی و عکوفانی حیات سیاسی خود میدانند. آنها در وجود چنین حزبی تصویر یک دشمن و رقیب خطرناک و بولسدرت را برای خود مجسم میکنند. حزب کمونیست نیروی لایزال و شکستناپذیر میلمونها کارگر و زحمتکش تحت ستم اتکا خواهد داشت. این حزب بزم مطالبات و خواستهای عادلانه و برحق اکثریت عظیم جامعه یعنی طبقه کارگر و توده زحمتکشان را برمی انرازد. و صمم است که این نیروی عظیم این نیروی انقلابی و این نیروی شکستناپذیر اکثریت را تحت رهبری انقلابیترین

پیکترین و آگاهترین و پشرونترین پس آن یعنی بولتاریای انقلابی در مقابل تمامی جریانات سازمانها و احزاب متعلق به طبقات دیگر متحد کند. براسنی آغشته به تحق چنین چشم اندازی باید که بورژوازی و خرده بورژوازی و احزاب و سازمانهای نماینده آنها را آغشته و نگران کند.

اما چنین چشم اندازی صمیمین مایند که تمامی کارگران و تودههای تحت ستم تمامی لیبان ستم و استثمار سرمایه و تمامی انقلابیسون عرافت مند و مبارز مسمن راه جهانی پشرون از جهل و فلاکت و استثمار انسان از انسان را خوشحال و غامان کند.

باید که برگزاری عهده اول ماه مه عهد کارگران را با عا لطی و امیدواری بسسه تشکیل هر چه سریعتر حزب کمونیست ایران همراه کنیم.

باید هر کارگر و ستم دیده ای که اسم روز کارگر را میگوید و این روز را گرامی میدارده نام حزب کمونیست و غیر تشکیل آن در آینده نزدیک را هم بگوید و آنرا به روزی خود و حزب خود تلقی کند.

باید در هر محفل و جمع کارگری که برای بزرگداشت روز کارگر برگزار میگوید بهت حزب کمونیست و چشم انداز تشکیل آن و نقش و اهمیت و تاثیر حیاتی هم در مبارزه توده های کارگر بزمی سرمایه داری هم مطرح شود. باید به همه توده های کارگر و تحت ستم گفت که بهترین و انقلابیترین راه بزرگداشت اول ماه مه موثرترین راه مبارزه در راه تحق آرمانهای رهبران کارگران اول ماه مه است که هر یک و بازید و گرهائی و هر چه



سروری به این مناسبت را با افغانه و تبلیغ برنامہ حزب کمونیست و غیر تکمیل کمیته برگزارکننده گذرہ موسی این حزب بسا شعوبی و ترغیب توده های کارگر به پیوستن به این حزب و با شروع کمک و مساعدت به امر تشکیل جریه سرپرست آن همراه کنیم.

حزب کمونیست ایران نه تنها یک دستاورد بازگفت نابذیر برای طبقه کارگر ایران بلکه یک پیروی تاریخی برای طبقه کارگر جهانی است. حزب کمونیست اسلمه ای است که در دستهای ای اردوی عظیم کار در خدمت مبارزه علیه سرمایه امپریالیستی و در خدمت امر همه کارگران جهان یعنی سوسیالیسم قرار خواهد گرفت.

رفقای کارگران!

بهر از ۶۰ سال است که طبقه کارگر ایران ساجدتها و قربانیها کرده است اما دشمنان عدالهای پیروزی را بر سر نه زده اند!

بهر از ۶۰ سال است که این طبقه قربانیها داده است و بهترین فرزندان خود مبارزه علیه چهل و حکم و استثماریها که افتاده اند بسا تنهجه مبارزه همیشه نصیب طبقه ای بیگسرس از دشمنان کارگران گردیده است!

بارها به نیروی بازوان این طبقه مبارزان حرکت استاده و میرهای نفت بسته شده اند بارها به نیروی بازوان این طبقه لوکوموتوها متوقف و کارخانه ها تعطیل شده اند با قدرت جانتان و از خود گفتگی این طبقه با کارها

به تسلیم کفانده شده اند دولت با تسلط و حکومتها سرنگون شده اند مسیما فرافتاده و پانصافان فراری داده شده اند..... اما هر باره این دسته ای دیگر از دشمنان طبقه کارگر و مروجان تحت تسلیم بوده که حاصل این جا دبا زها و تهرمانها را فرو کرده و قدرت را به کف گرفته اند.

رفقا! از خود بپرسیم چرا چنین شده است؟ آیا نیروی ما کم بوده است؟ آیا به اندازه کافی تلاش و از خود گفتگی نداخده ایم؟ آیا اصولا نقش و تاثیر تعیین کننده در کل حیات جامعه و این مبارزات نداخده ایم؟ بی شک چنین نیست. ما مینویسها نفر را در صفوف خود داریم. نیروی ما در مقایسه با نیروی سایر طبقات و

مخصوصا سرمایه داران ایسا قابل مقایسه نیست ما اکثریت مطلق جامعه ایم. همیشه آنا نکه بر صفوف مقدم جگینده اند آنا نکه بیشتر بر جا نطقا نطقا و از خود گفتگی ها را نموده اند آنا نکه بهترین عهدان و اسیران را نداده اند ما کارگران بوده ایم. تمام جریهای حرکت جامعه سرمایه داری به نیروی بازوان ما میگردند. تمام تولیدات این جامعه با دستمان است که صورت می گیرند فقط کافیست که یکروز دستت از کار بکشیم شانقش و تاثیر می آید که در حرکت و حیات جامعه سرمایه داری بازی می کنیم با دشمنان خود بپرسیم.

پس علت این مرزادی تا بهی چیست؟ علت آنست که نیروی عظیم و انقلابی ما

زنده بمان سوسیالیسم!



که انرژی و توان لایزال اما پراکنده سازمان
 نباشد* ما متحد و هماهنگ نبوده است. که این
 نیرو در حزب سازمان طبقه خودمان متفکک
 نبوده و برای تحقق اهداف خودمان و آرمانهای
 روشن، مشخص و انقلابی طبقه ما به حرکت
 درنیامده است. که رهبری ما در دست
 انقلابی ترین، پیشروترین و آگاهترین
 نمایندگان و رهبرانمان نبوده است.

با استفاده از همین نقطه ضعف و کمبودها
 بوده است که سرمایه داران و جریانات وابسته
 به آنها، مضمناً رویزونیستها این خطرناکترین
 نوکران بورژوازی که به لباس مارکسیسم
 درآمده اند توانسته اند که مبارزات ما را
 از مسیر انقلابی و اصولی منحرف کنند و آنرا
 در چهارچوب نظم و حاکمیت سرمایه به بندند
 بکشند.

رویزونیستها با تحریف کردن برنامه
 انقلابی کارگران میانه صوت کارگران به
 سازش با حکومتها، سرمایه داری و پانفنی ضرورت
 مبارزه* انقلابی کارگران برای نابودی سرما-
 یه داری تاکنون موفق شده اند که مبارزه* کار-
 گران را به انحراف کشانده و حتی طبقه* کارگر
 را در خفا از زمینهها از دستگیرانی که در مبارزه
 علیه سرمایه و امپریالیسم به کف آورده بودند
 عقب برانند.

به همین خدمات رویزونیسم به آن و خیانت و
 چاسوسی رویزونیستها در صفوف کارگران بوده است.
 اما رویزونیستها هم پس از دهها سال عوام -
 نریبی و فریبکاری، پس از دهها سال به
 به راه کشاندن کارگران و جنبش کارگری، پس از
 سالها استثمار و سرکوب توده های کارگر و
 لگد کوب کردن، تحریف و تهاشم و
 توهم بنسب آرمانها و سدن کمونیسم و
 وسایلیم در کشورهای اردوگاه شوروی و چین و
 در شرایطی که عوارض و فکار کمربکن ناغسی
 از بحران سرمایه داری توده های کارگر و ایستاده
 جستجوی راه نجاتی از این جهنم کشانده است و
 بعضی از همزمانی به بین بسترسیده و بی آبسرو
 و رسوا شده اند. اکنون جنبش کارگران دوباره
 می رود تا به زیر پرچم طبقاتی خود، زیر پرچم
 کمونیسم و دنیای کار و بردگی را متحد کند و
 طبقه* کارگر ایران نه تنها بمشابه* جزئی از
 ارتش جهانی کارگران بلکه بمشابه* یک
 گردان بهشت از در صفوف مقدم این ارتش مبارز
 و انقلابی قرار دارد.

رفقای کارگر!

تنها تشکیل حزب کمونیست میتواند موفقیت
 ما در این نبرد سرنوشت ساز را تضمین کننده تنها
 تشکیل حزب کمونیست کارگران میتواند قلمه*
 پایانی برای این تراژدی تاریخی باشد. تنها
 تشکیل ستاد مستقل طبقاتی کارگران و ستاد
 رهبری کننده* همه* ستم دیدگان و فقیرزدگان
 است که میتواند مبارزه علیه ستم و استثمار

اگر تاکنون سرمایه کشیده و سرمایه محتر
 و امپریالیستی به حیاط منفور خود ادامه
 میدهد و اگر تاکنون در چاه وانسی خود در
 زباله داش تاریخ قرار نگرفته است و عمدتاً

زنده باد بشوئیسم!



رفقای کارگر!

سرمایه داری و در راه سوسیالیسم و رها نشی
قلمی بشهرت را رهبری کرده و آنرا با مبارزه
پرولتاریا و توده های تحت تسلیم همه چنان
بر علیه سرمایه امپریالیستی هماهنگ کنسد .

کاخ سرمایه به نیروی ما کارگران بنا شده
است . بقونهای نگه داشته این کاخ خانه های
ما هستند .

قدرت و ثروت سرمایه قدرت و ثروت
غصب شده ماست .

هر چه ما بیشتر و غنی تر کار میکنیم سرمایه
قدرت اجتماعی بیشتری می یابد . مالکیت
سرمایه حاصل سلب مالکیت از ماست .

ما میتوانیم و باید که این کاخ را از پایه
ویران کنیم . ما میتوانیم و باید زنجیرهای
اسارت و بزدگی را از دستان خود بسازیم .
برای نابودی سرمایه داری و پایان دادن به

فقر و جهل و استثمار انسان از انسان و بسرای
سلب مالکیت کردن از سلب مالکیت کنندگان
برای به محاکمه کشاندن ماحکمه کنندگان پرولتا
ریا و برای سوسیالیسم باید در سازمان مرکزی
غوده در حزب ایالتی غوده در حزب کمونیست
مشکل و متحد شوید .

حزب کمونیست سلاح ما و رهبر ما دشمن نبرد
تاریخی و دوران ساز خواهد بود .

در این نبرد ما تمامی کارگران و تمامی
معرومان تحت تسلیم جهان را در کنار خود داریم
در این نبرد ما هیچ چیز جز زنجیرهای
بندگی و بزدگی خود را از دست نخواهیم داد و
ولی جهانی را بدست خواهیم آورد .

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی
طبقه کارگر در مبارزه علیه ماحکمت سرمایه
زنده باد حزب کمونیست کارگران
بهر روز باد سوسیالیسم
غلام کشاورز

بغض از صفحه ۲۱

نوست برخلاف ذهنیات و تعصبات عمومی و تربیت
توین شرایط پلیسی نه تنها تبلیغات اصولی خود
را کمتر دادند بلکه عملاً به کومه لنینیست شدند
و دفاع از جنسیت مقامت را به نبر مترین مسائل خود
تعیین کردند امروز حقانیت خود را اثبات
نکرده است؟ آیا وحدت و استحکام امروز ما را که هم
انقلابی و زمینه های مساعدی که برای وحدت صفوف
پرولتاریا ترکستان و خارج ترکستان بوجود
آمده است بدون اتخاذ این مواضع اصولی بدون
بغض کمونیستی با نقدیت عقب مانده توده ها
مقدور بود؟ ویا لایزال امروز که مردم زحمتکشان
سراسر ایران نه تنها به حقانیت جنبه مقامت و مست
تر ترکستان بی برده اند بلکه در سطح ملیونتی
چشم امید به این جنبین و به کومه لنینیست شده

کمونیستها را به ما به مذاق همین حقیقت گوی
کارگران و زحمتکشان باز نمی خوانند و در مقام
و هیچ به ما نزدیک نمی شوند؟ تبلیغ پسر و سوسو
تمکین به عقب ماندگی یعنی توده ها ما را از کارگران
و زحمتکشان دور میکنند و پیوند ما را با آنهاست
میکنند . تنها راه نزدیک شدن به توده کارگر و زحمتکشان
بمان و توضیح سریع و صبورانه منافع واقعی آنها
به آنهاست . یک یا دو دهوا نمی خورد ما که
فاطمه نهوا . ما آن بودیم که کمونیستهای غیر کرد
در مقابل لریای تعصبات ملی و عرفا فاسد مغربی
بزدیم غیر کرد در ۲۸ مرداد ۵۸ با بستند . باید
خود فرعین حال فاطمه با تعصبات بسیار سطحینر
مغربی در میان زحمتکشان ترکستان (که آنها
اساساً در عقب مانده ترین بغضی آن وجود دارد)
مقابل کنیم . این تنها راه به فروزی ناست .

بیانیه اعلام موجودیت کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسه حزب کمونیست

پس از اعلام پیرنا مع حزب کمونیست در بهار ۶۱، تلاش عملی برای تشکیل حزب کمونیست در دستور کار کلیه نیروهای پیرنا مع حزب کمونیست قرار گرفت. اکتسون پیرنا مع انقلاب و همروزیهای ما و کسب انقلابی برای تحقق ملزومات تشکیل حزب کمونیست و کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسه حزب کمونیست ایران رسماً اعلام موجودیت نمودند. کمیته برگزارکننده از سوی کمیته مرکزی سازمان انقلابی جمهوری کورستان ایران (کوملدا) و کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست در سطح سرکزیتهای این دو تفکلات ایجاد گردید. اعضای این کمیته عبارتند از: **رفقا: مهندسان، مهندسین، مکتوبی کمیته دکتر جعفر عظیمی، جواد مکتوبی و مکتوب رکنی** از کمیته مرکزی کوملدا و **رفقا: منصور حکمت و همکارانش (ماهار) اوجسرو و لورا** از کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست.

کمیته برگزارکننده وظیفه دارد تا بر مبنای نقش عملی محبوب کمیته مرکزیهای این سازمان و وظایف سیاسی و تفکلاتی و فعالیتها و اقدامات لازم برای تشکیل کنگره مؤسسه را انجام دهد.

اقدامات و نتایج فعالیتهای کمیته برگزارکننده و همچنین اطلاعاتی در دسترس آنها از طریق راهبوسنای انقلاب ایران و تجربیات سراسری کوملدا و اتحاد مبارزان کمونیست منتشر خواهد شد. ما کلیه نیروهای پیرنا مع حزب کمونیست و کارگران همروزیه و آگاهان و فعالان کمونیست را به ارتباط فعال با کمیته برگزارکننده و مشارکت هر چه بیشتر در کنگره پیرنا مع عملی حزب کمونیست ایران فرا میخوانیم.

رئیس هیات حزب کمونیست ایران :

رئیس هیات سوسیالیسم :

کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسه حزب کمونیست ایران - ۱۳۱۲/۱/۱۵

اطلاعیه کمیته برگزارکننده خطابت به نمازخانه‌های سیاسی

رفقای کمیته مرکزی ...

بیا برویم ای انقلابی

عما نظیر که بهما آمده اعلام موجودیت ما بهمان مقدارده نیروهای پسرنا هم حزب کمونیست امرتکامل عملی حزب کمونیست ایران را برستور کارما جل خودرا را داده اند و فرآیند ترویج کنگره موسس حزب کمونیست ایران منقطع خواهد شد.

اوانجا که تشکیل این حزب برسر نفوذ جنبش کارگری و کمونیستی ایران و به این اعتبار موقعیت و آینده نما زمانها این که خود را نیز این جنبش بهیم به ما نشده تاکنون مستقیم و تمهین کننده ای داده اند. وظیفه خود میدانیم که این امرایا اطلاع کلمه نیروهای امروزه چون که در ایران تحت نام کمونیسم فعالیت می کنند و از جمله سازمان عمام برسانیم.

ازما تقاضا میکنیم که انتشارات خود دربارها برنا مع حزب کمونیست و تشکیل حزب کمونیست ایران حول این برنا معرا و هر چند بطور فوری به اطلاع ما برسانند. متن برنا مع حزب کمونیست و بهما آمده اعلام موجودیت " کمیته برگزارکننده کنگره موسس حزب کمونیست ایران " به پیوست ارسال میگردد.

بیا بروی هم روزی

کمیته برگزارکننده کنگره موسس حزب کمونیست ایران

محمدالمصطفی

اول اردیبهشت ماه ۱۳۳۲

رونوشت این نامه برای گروهها و سازمانهای زیر ارسال شده است:

سازمان وحدت کمونیستی

جبههکپای فدائی خلق ایران

جبههکپای فدائی خلق ایران (ارتش رها می بهی خلقهای ایران)

سازمان جبههکپای فدائی خلق ایران

راه کارگر

حزب ردهبران ایران

اتحادیه کمونیستی ایران

گروه اتحاد برای آزادی کار

حزب کار ایران

مجاهدین قانون کار را در چه بای خواهند نوشت

قطعاً ما کمیته مرکزی ما - اتحاد مبارزان کمونیست - در باره وظایف کمونیستها در مبارزه علیه قانون کار ائتلافی متفرد شده است. زیرا این قطعاً ما آمده است که:

" رژیم جمهوری اسلامی با طرح قانون کار اسلامی مستقیماً تعرض به خطا تیردانی علیه طبقه کارگر را آغاز نموده و میبخواهد فلاکت تحمیل عذبه طبقه کارگر ایرانی را رسمیت قانونی بخشد و سطح معیشت کارگران را تا زحم تنزل داده و شرایط استثمار وحشیانه نیروی کار را برای سرمایه‌ها مهین کند."

ما کمونیستها همواره اعلام کرده‌ایم که در مقابل با بحران اقتصادی کنونی دورا محل بیشتر وجود ندارد. با راه حل کارگران که منطبق و وحدت طبقاتی آنان و قطع سرمایه داران و تمام اعوان و انصار آنها از قدرت سیاسی و اقتصادی است. زیرا راه حل سرمایه داران که منطبق با زمین گیری تمام ستا و رفاهی اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در جهان قیام بهمین علاوه تحمیل شرایط بنامت سرمایه‌هاست - سرمایه تریه نسبت دوره قبل از تقسیم و دوران شکوفایی و رونق سرمایه داری - به کارگران است. اگر کارگران اساساً به دلیل فقدان آگاهی طبقاتی و پراکنندگی و خویشاوندیها میان به " جمهوری اسلامی " و نتوانستند راه حل خود را به پیش برنده در مقابل سرمایه داران پسا منجم کردن مؤخر خود ما اکتفا به تمام ابزارهای سرکوب و تصویب نموده اند کارگران و تقسیم تولید ستان را کام به کام غلبه برانند و اکتسون

موقعیت را برای اینکه تمام این عقب نشینیها جنبه رسمی و قانونی و غیر قابل برگشت به سود بگیرد مساعد یافته اند. قانون کار جدید میبایست عهدنامه عکت کارگران برای این دوره از مبارزه طبقاتی باشد. اینکه آیا کارگران تسن به این عکت خواهند داد یا نه و اینکه وظایف کمونیستها و کارگران در مقابل با قانون کار اسلامی چیست، نکاتی است که قطعاً ما کمیته مرکزی ما به آنها پرداخته است و ما در اینجا به آن نمی پردازیم. بلکه میخواهیم توجه خواننده را به نکته دیگری جلب کنیم.

حقیقتاً اینست که سرمایه داران جمهوری اسلامی در جهت جنبه قانونی و حقوقی دادن به جسرابط بردگی کارگران چهار هیچ مشکل " اهد و قبولی " ندارند. همه " علمای اعلام " و " نقیای عظام " و اسلام شناسان و متفق السرای بدان حکم دادند که قانون کار نباید در " باب اجاره " نوشته خود هرگی آنان به استناد آیات آسمانی و روایات مستنده و زندگی ائمه اطهار تأیید کردند که از نظر اسلام کارگر همچون حیثی باخواری است که به اجاره داده میشود. کارگر با الخ خود را اجاره میدهد و کارگر با الخ توسط ولی اعز به اجاره داده میشود. تا موجب یعنی سرمایه دار هر طور که دلخواه است از آن استفاده کند. چنین حکمی برای کارگران از منظر نظر آموزنده است:

اول اینکه تمام لغافه های تبلیغاتی و

طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود.

تمام عبادت پرنازیهایی مربوط به شرایط زندگی کارگران نوجوان سرمایه داری را کنار میزنند و به عام ترین و بدوی ترین و در عین حال روحیه ترین شکلی به کارگران نشان میدهند که آنان از نظر سرمایه داران حیوانات تولیدی هستند که برای کار و تولید سود باید در دستشان بمانند. آنان بر دکان سرمایه دار قرار گیرند. آنان بر دکان سرمایه دار که هر روز از نو به بردگی میروند و اگر بردگان نوران باستان این امتیاز را نداشتند که یکبار برای همیشه فروخته شوند و برده نمانند برای حفظ منافع خود ناگزیر از تامین منبعت آنها بودند و کارگران تنها آن هنگام به بردگی میروند که منافع سرمایه داران اقتضا کند و هر گاه که بهر دلیل سرمایه داران نخواهند آنان

معلوم به مرگ از گرسنگی اند. دوم اینکه یکبار دیگر نقش و کارکردی در رابطه کلی و اسلام را بطور منفی در جامعه سرمایه داری و در جهت منافع سرمایه داران آشکارا ساخت. نه ناسیونالیسم، نه لیبرالیسم و نه او مانع همهی توان آنها را نداشتند که این چنین سریع و بی پرده به آزمندی سرمایه پاسخ گویند و تنها اسلام که تمام انسان دوستی آن از حد رفت با بردگان فرانسه همسرورت نمیتوانست این چنین تمام ظرفیت ضد کارگری و ضد بفری خود را در خدمت تقهیبی سایر ترسین گزایان سرمایه داری قرار بدهد.

اما جمهوری اسلامی زلفش است. این رژیم با بین ترازی جدید منبعت امروزین بفری است و معکوم به فطانت. نهجورده و با مرگ خود به هم قانون ارتجایی کار و هم تمام قوانین ارتجایی کنونی را به گور میسپارد.

رژیم جمهوری اسلامی معکوم به فطانت و از بین برده اما اکنون فراسر آن بفری سیاسی

معنی بر ایوزیمون این رژیم وجود دارد که نقد کرده است تا از ایدئولوژی این رژیم با سفاری گفتوازی جفاقی مذعب از دولت و نفس خاکبخت اسلام بفری رویت بوده های کارگر و محروم ایران. سناقت یعنی آزردن. بنا بر این سوالی که اکنون فری بر فری بوده های کارگر قرار میگردد اینست که این لفظی هنوز بفری نرسیده قانون کار را در چه نایی خواهد نوشت و حقوق کارگران بفری بهت زمینی آنان و ترجمه بفری دیوکراتیک اسلام از چه قرار خواهد بود؟

فری ملی مقاومت و مخصوصا سازمان میاهد بین خلق ایران و بعنوان پرچمداران و مذاکران اسلام را بفری و واقعی باید با بین سوال پاسخ دهند. از آنجا که سازمان میاهد بین از یکسو فرای ایدئولوژی اسلامی و مخالف سرعت جفاقی مذعب از دولت و خواستار حکومت مذعبی است و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی را تا قبل از ۳۰ فریاد رژیم بفری و قانونی میدانند و حتی امروز هم رژیم جمهوری اسلامی این رژیم را به رسمیت نمیاندازد هیچ بخشی از رنگوسی رژیم جمهوری اسلامی بفری آن نمی آورند و تنها خواهان آنست که جمهوری اسلامی لفظی را با سناقت زمینی و اندک تقهیب و اسلامی به جمهوری اسلامی مطلوب خود تبدیل کند. بنا بر همه این دلایل ما محکم چنین فکر کنیم که قانون کار جمهوری دیوکراتیک اسلامی نیز همچنان بر مبنای اصول فقه اسلامی تدوین خواهد شد و فری جفاقی با قانون کار دست بخت لفظی رژیم فطنی نخواهد ناعت.

تا آنجا که به اصول و احکام اسلام لفظی مربوط مفهوده آیات معظم و علمای اعلام جمهوری اسلامی و معنای واقعی و تقابلی سریع همین این



اصول و احکام و افراتون کار خود افکار کرده اند
 اکنون نوبت مجاهدین است تا برای کار گسبان
 روغن کنند که فانون کار را برچه پای از لنگه
 اسلام انقلابی توحیدی علوی خود بخوانند
 نوبت؟

اجازه بدهید ببینیم که اسیران بفسوان
 اساس ترین سندی که همه این آقایان فرسود
 کردن بکنند بر آن استناد میکنند ترا من زنده
 چه رهنمودهایی برای منیاء بدن دارد؟

ببینیم تعالی ما دعا * سوره نحل آیه ۲۱ *
 قدر مسلم آنست که اسلام ققاهنی و ققاهلیمنا
 این آیات و آیات متعدد دیگری که فرشت عده ای
 محدود و غیرتو تعالی ز مستکن و مقدر و تقصیر
 بسوره میسندند فرسیرا بسوره حسینا و سوره
 زندگی جهنمی و همی و زندگی آسوده بهشت را
 وعده میکنند و انکاسی از این قبیل * فانون
 کسار اسلام را تدوین کرده است و از نظر
 مکتبی هیچ ایراد و انتقادی نمیتواند بر آن
 وارد باشد *

آنها باید فضل و رحمت عسائی را
 تقسیم کنند؟ فرموده تیکه تا خود معارف و روزی
 آنها را از خباثت دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را
 پریم (به نال و جاه و نفوس) بیستسوی
 تا دیم * تا بعضی از مردم بعضی دیگر استقامت
 کنند و رحمت عسائی از آنها جمع میکنند پشور
 است * سوره زمر آیه ۲۲

البته مجاهدین میتوانند و گاملا معتادند
 که اسلام ققاهنی عسائی را اسلام نورعینی و حد
 توحیدی و غیر واقعی بنانند و فرماید *
 * اسلام عسوی توحیدی * هونرا از استخواران
 قلنداد کنند * فراین میان اینکده به کسی
 نما بندد اسلام واقعی است ساله ای است که
 یا بند ندان ققاهنی و انکاسی از بیگانه از یکسور
 ققاهنی صحنه ققاهنی از سوی دیگر حل و عمل مردم
 پرولتاریا و کمونیستها از این نقطه نظر هیچ
 خلاصه نمایی به حل مسائل مکتبی اسلام
 ندارد * * *

عسائی زده (بفحش) : آیا بنده مسلوکی که
 قادر بر هیچ چیز (حتی بر نفس خود) نیست میاروی
 آرا که به او روزی نیکو (و مال حلال بنهار) طلبا
 کردیم * که بنیان و آنگار هر چه به سواد است
 میکنند بکنا نند؟ هرگز بگمان نیستند (مثل است
 و عدا ویت پرست و عدا پرست بدین تعالی مانند)
 خایین منصور خدا است و لکن اکثر مردم آگس
 مستند * سوره نحل آیه ۷۵

اما آنچه بجا مربوط میفرود یعنی آن دکده

موفقا مثل زده (بفحش) : دوشتر سرد یکی
 بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز بر مولای و از

* فلان از ترجمه مهدی الهی تعالی *

- * رجوع کنید بصورت انعام آیه ۲۲ سوره ابری آیه ۲۹ سوره مرعا آیه ۲۶ سوره نسا آیات ۲۲
- * و سوره انفال آیه ۱۷ سوره طه آیه ۱۳۲ سوره مود آیه ۲۱۸ سوره آل عمران آیات ۱۵۵
- * و ۱۱۴ و ...
- * * * فر صفحه بعد

اصلی که میخواهیم از این نسبت بحث خودنهیجه بگیریم اینست که ایدئولوژی اسلامی مجاهدین - با هر تعبیر و تفسیری که از اسلام قاعده یا عده - مخالفت آنان با جدایی منب از دولت و بیویژه طرفداری آنان از حکومت اسلامی - هر چند آنها با صفت دموکراتیک مزین کرده باشند به آنان این اجازه را میدهد که بریر خود به مسائل مربوط به زندگی کارگران و زمینکشان و از جمله بر تدوین قانون کار جمهوری اسلامی آنان تا مرز نفسی و انکار ابتدایی ترین حقوق توده ها به پیش روند. اسلام تعان داده است که نرای این طرفیست و قابلیت هست و میباید هر قدر هم کسی از اسلام فقهائی غمینی قائله بگیرند و هر اندازه که قانون کار جمهوری اسلامی را ضد اسلامی بنامند بهر نحو که ما بلند آیات قرآن را تعبیر و تفسیر کنند و در هر بابی که میخواهند قانون کار جمهوری اسلامی خود را بنویسند هزار آنجا که نمیتوانند اسلام را از دولت جدا کنند و تا آنجا که طرفدار حکومت اسلامی وند وین قوانین اسلامی مستعد از بهر دست خود را در توشیح بند اسلام برای نفی و تخریم بهیچین امر آنچه تعاندی از مدنیت و انسانیت و آزادی و عدالت با خود یافته باز گذاشته اند.

برای بهیچین اینکه حکومت اسلامی مجاهدین تا چه حد از این طرفیست اسلام استفاده خواهد کرد و تا کجا بر نفی حقوق کارگران بهیچ خواهد رفت و ما خواهد و دلایلی روغلترو

این برنامه چنین اعلام میکند :

حقوق کارگران

الف - لغو کلیه مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران - سهم کردن کارگران بر اندازه کلیه حقوقها و با نکیهای مختلف کارگری و حتی - الحاقی سپردن این مراکز به خود آنها - بر رسمیت عنایت حق اعتبار و مهر گونه اعتبار و سنالست آموزد و بگر با اعلام قبلی - لغو تمام کسود دولتی از قبیل

حوادثه ملائمت خود میتواند با مراجعه به قرآن و تفسیر البلاغه هیچ الحاح و دیگر آثار و اعبا و روابط مستعبر اسلامی بسادگی تفسیر دهد که اسلام علوی مجاهدین و با اسلام فقهائی غمینی کما میگه بر اصول و مبانی اسلام متکی است - ما در این باره بیویژه مراجعه به آثار فاضله جناب بی بی صفرا توصیه میکنم



مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تا همین قدری هزینه های ضروری نظیر بیمه و باز نسیجی

ه - لغو کلیه مالیات بهیچین از کارگران معریم ترکمیه زمینیه ها

و - دکان برای تا همین بسکن و حمل و نقله بهداشت برای همه کارگران و بیمه غیره عوارض گاه و گویکستان برای نوزندان آنها و تقسیم حق تحصیل سبانی نرفنا نسگا مها و سزارین عالی

ز - افزایس تصاعدی حق السهم کارگران از سود کارخانجات به نسبت افزایس سود کل

ح - تا مدین آموزش حرفه ای و فنی بسرای کارگران غیر متخصص

ط - تلای برای تکمیل حدی قله سطح زندگی تمام کارگران به نسبت افزایس هزینه ها

مقدمتاً بدینگونه که مجموع حقوقی کسورای ملی مقاومت جمهوری دموکراتیک اسلامی به کارگران وعده میدهد بسیار ناچیزتر و محدودتر از حقوقی است که هم امروز اکثریت کارگران

چنان نور کفیه های خرمایا به ناری از آن بسرد غور نایند و ضمیمه حقوقی که مجاهدین وعده دادند آنرا برآینده میهنه ا اکثریت کارگران جهان ه و منجمله کارگران ایران ه ترکمیه کسب کرده اند

این برنامه ه آنجا که به مراحت و روشنی مطالبه ای را عنوان کرده است ه چیزی بهی از آنچه حتی قانون کار ایرانا مبرری بر محبت هفا عده بود به کارگران وعده نمی دهد و آنجا که ظمراً از این حد فراتر رفته است ه عملاً چیزی بهی نیست و شرطهایی که باید حقوق کارگران را محدود و مشروط کند فربرندارند

مطالعه و بررسی دقیق تر مواد این برنامه به ما نشان میدهد که:

اولاً: بند الف برنامه کسورای ملی مقاومت اعلام کرده است که قانون کار جمهوری اسلامی آنی با نظر کارگران نشوین خواهد عده اما بهی وجه روشن نکرده است که کارگساران چگونه و به چه عده ای تر نشوین قانون کسور اعمال نظر خواهند کرد. آیا انبیهایی کارگری اسلامی مجاهدین و کارگران مسوخت سلطان در

* از ابراز نظریکی از این کارگران موجد مسلمان ترشرفه مجاهد میتوان در یافت که کارگران آموزش یافته در مکتب ملوی مجاهدینی تاجه اندازه از منافع و حقوق واقعی طبقاتی خود آگاهی دارند. این کارگر مجاهد فرما حیدای که در باره " مسائل کارگری ایران و پیش نویس قانون کار رژیم خمینی " فرماده ۱۲۲ " ندرمه مجاهد با وی به عمل آمده است چنین میگوید: " آنان (کارگران) مدت ها است از مجاهدین آمیخته اند که با و یعنی حیات کارگره کسار یعنی حیات انسان وستی که برای تبا و زبه این حریم دراز شود باید قطع گردد و بی تردید هست کسانیکه این قانون را برای کارگران مهین ماتهیه کرده اند قطع خواهد عده "

البته کارگران برای آموختن چنین احکامی در باره محرمت کار و رفتن آن در محسبات انسان بهی فراموشه بعد



این باره نظر خواهند داد تا با کارگران طرف
طرف معرفت قرار خواهند گرفت؟ آیا مسئولان
از نوع سیدارهای جمهوری اسلامی برای بررسی
فانون کار تمکین میفرستند؟ و مهمتر آنکه فانونی
که با این ترتیب و بیاثر میوه‌ای از ابرار نظر
کارگران و تدوین شده است چگونه و بوسیله
کدام مرجع به تصویب می‌رسد؟ و کارگران چه
نقشی در تصویب فانون دارند؟ تدوین فانون
کاربرها نظر کارگران - عبارتی کلی و مبهم است
که هر کسی به هر نحو که بخواهد میتواند آنرا
تفسیر و تفسیر کند. و از آنجا که تا فراموش
بعضی وقت فریج یک از نسبتهای دیگر بر نامه
عمرای ملی ملای مقامات هیچ عملی از عمرای
دموکراتیک کارگری و کلا بر رسمیت شناختن حق
فانونگزاران بوسیله عمرای مردمی در میان
نیست. این سؤال همچنان بین جواب میماند که
با اکثره جمهوری دموکراتیک اسلامی به چه
عمرای می‌خواهد نظر کارگران را در تدوین و پیوسته
تصویب فانون وارد حالت دهد.
از آنجا که تصد سجاهین به اسلام است
را بسیار بیشتر نتوان با برداشت کارگران را

از دموکراسی و اعمال نظر فانونهای مردمی بر اساس
حاکمیت و ناگزیریم به این نتیجه برسیم که این
و عده ظاهراً دموکراتیک ما ما مبهم و کلی شعورای
ملی مقاومت مینویسد و دولت فانون نظر کارگران
در تدوین فانون کاره فانونها به هیچ تضمینی پیوسته
آیه - امروزه مردمی بی‌شمار - نخواهد داشت که آنهم
بسیار، باید طولانی که مسلمانان مکتبی بر
تفسیر و تفسیر آیات قرآنی دارند و عملاً مسئله‌ای
را برای کارگران حل نخواهد کرد.
اما اگر نیرو و سازمانی بخواهد که تنها
فرایض بلکه واقعا و عملاً دموکراتیک را تقویت
بگذرد و بر نامه خود عراق و بیرونی حق
فانونگزاران و عمرای دموکراتیک مردم و از جمله
تصویب (و نه تنها تدوین) فانون کار بوسیله
این عمرای را بر رسمیت می‌شناسد و اعمال نظر
کارگران در تدوین و تصویب قوانین کارگری
و نظارت کارگران بر اجرا و تعاقب عملی این
قوانین را چه از طریق این عمرای و چه از طریق
نمایندگان منتخب کارگران و هیات‌های بازرس
رسی کارگری در هر کارخانه نامی و تضمین
میکند.

احتیاجی به جانشینی‌های سیاسی نداشته‌اند. رژیم جمهوری اسلامی ملی ایران وحشی
و رژیم آریایی قبلی نیز هیچگاه از یادآوری و تکرار نفس و حرمت کار و اهمیت حیاتی آن به
به کارگران تاریخ نپوشیده است و هیچگاه به کسی در قطع دست کسی نمیکند به این حریم تجاوز نکرده
فرماندهای پیوسته را نداشته است. البته کارگر ساجد ما امروز با نهایت حسن نیت و اوستار قطع
نیست رژیم جمهوری اسلامی از حریم کار است. اما آیا میتواند هیچ تضمینی به طبقه خود بدهد
که در جمهوری اسلامی آتی سجاهین و بر مبنای فانون کاری که در این جمهوری برای پاسداری
از تقصیر و حرمت کار نرفته نموده است کارگرانی که با اعتصاب و اعتراض خود به این حریم
ملی تجاوز میکنند قطع نخواهند؟

* برنا محراب کهنوت در بند ۱ بهر حداقل و تقصیری ۱۱۵، ۱۱۹، ۲۰ مطالبات کارگری و این
سقوط را بیرونی ترمیم و تفسیر کرده است.



تا نایب برنامه خورای ملی مقاومت فرمود
 اساسی ترین و قویترین مسائل کارگران سکوت
 میکند. نه ترسهای حقوق کارگران و نه ترسهای
 کجای دیگر بر نامه از موضع خورای ملی مقاومت
 و ما زمان مجاهدین انقلابی ملی که مستقیماً به
 ابتدائی ترین حقوق ملتونها کارگر کورما مربوط
 میخورد. خبری نیست. برنامه خورای ملی
 مقاومت نمیگوید که خواست ۱۰ ساعت کار در هفته
 را بر رسمیت میبخشد یا غیره نمیگوید که حداقل
 دستزد رسمی چگونه تعیین خواهد شد نمیگوید
 که حقوق زنان کارگر جمهوری دموکراتیک
 اساسی چگونه خواهد بود (مثلاً آیا بهشت
 جمهوری اساسی آتی هم از نوع همین بهشتی
 خواهد بود که جمهوری اساسی فعلی نیز بر پای
 زنان و به خصوص زنان کارگر قرار داده است و آیا
 ضروری است و یا لایحه فرموده ساله اجزای کارگران
 ساله بیگاری و شب کاری و اضافه کاری و
 تعطیلات کارگری و خلاصه ابتدائی ترین حقوقی
 که طبقه کارگر ایران در حال است برای
 تحقق آن مبارزه میکند و هم اکنون از جانب
 جمهوری اساسی تمامی آن نفعی خواهد و زیر بار
 گذاخته شده است و هیچ نمیگوید و در تمام این
 موارد کاملاً سکوت میکند.

بعضی مطالبات کارگری بر نامه حزب
 کمونیت که کمیته " قانون کار جمهوری
 دموکراتیک انقلابی " را تشکیل میدهند راه حل
 حداقلی کمونیتها برای کلیه مسائل فوق را به
 روشنی طرح و اعلام کرده است و کارگران ایران
 هم اکنون قانون کار انقلابی و طبقائی خود را در
 دست دارند اما حق دارند و باید بدانند که در
 قانون کار اساسی غیر لفاظی مجاهدینی کدامیک
 از این حقوق سکوت گذارده و در واقع مستقیماً
 رسمیت نمانده خواهد شد.

اینکه در آینده قانون کار جمهوری دموکراتیک اساسی
 را بنظر کارگران تدوین خواهد کرد یا نه برای این
 سوال معنی ما نیست. این حرفها با حق برای
 طرفه رفتن از جواب صحیح دور است. ما این ساله و
 حاله آن به توان واقعی طبقه کارگران و توان فزونی
 نیروهای سیاسی بورژوازی و پروتکتورهای فساد
 بقدرت رسیدن جمهوری دموکراتیک اساسی است.
 ما زمان مجاهدین باید بدین روشن کنیم که هم اکنون
 در کدام طرف ایستاده است و بر چه میخورد. اساسی
 اساسی ترین و قویترین مسائل کارگری و جانب
 کدام طبقه را خواهد گرفت و کارگران را
 سرمایه داران ؟

اما برای کارگرانی که از چهار سال عقبند
 ترین تعاضد طبقائی با بورژوازی ایران و به
 اندازه کافی ترس آموخته اند به پاسخ این سوال
 از بهیروهن است.
 آن نیروی سیاسی که طبقه اول بقدرت رسیدن و
 نرفتن طبقه هنوز را بوزرسیون است و ترسناک
 ابتدائی ترین و مسلم ترین خواستها و مناسبات
 کارگران سکوت میکند فردای نیست گرفتن قدرت
 جز به نفع سرمایه داران سخن نخواهد گفت و
 عمل نخواهد کرد.

فالتا: آنجا که برنامه خورای ملی مقاومت
 به طرح انبیا " حقوق کارگران مهتر باره
 ماهیت بورژوازی لیبرالی خود را بهتر نشان
 میکند. برنامه و عدله میدهد که هر چه حاکمی
 نظیر بیمه و بازنشستگی را تدریجاً تا همین کسده
 اداره مرا کوشند و با نگاهی مختلف کارگری
 (۹) راحتی مقنونه کارگران بسیار
 برای تامین مسکن و حمل و نقل میباشد. ...
 کارگران و تشبیهت مسائل تدریجاً زندگی به نسبت
 افزایش تدریجاً تدریجاً تدریجاً اما معلوم
 نیست که اگر این تلاشها به نتیجه نرسیده اگر



اجرای این تصمیمات مقدور نبود ما گزینده ها
تشریحاً تا دین نقد و... تکلیف کارگران چه
میخورد؟

شما امروزه هیچ سرمایه دار و هیچ نیروی
سجاسی بود و توانی را نمیخوا دید باینکه مدعی
چنین تلافی تدریجی کارگر دستا نه ای نباشد
فرعین حال شماره دلائل محکم و متکی به آمار و
ارقامی هستند - از آن نوع که جلب بطن خنجر همیشه
بر آستین نازند - برای توضیح مختصر نمی شود
تحقیق نیا تمبر هوا خانه خود تر دست نگاهت
باعث

بورژوا - لیبرالهای تازه بدوران رسیده ما
با همان زبان کینه و دیر آغزای کلیه لیبرالها
از حس و وطنی کارگران صحبت می کنند
زبان چند بهلوی که برای همان با و کردن اما
هیچ نگفتن ابداع شده است - اما آنها تا با دست
بگویم که آخرین بند در حق کارگران
عمرای ملی مقاومت و بارانی نوشته شده
است که حتی در فرهنگ میهنی لیبرالی کاملاً
بدیع و نو ظهور است - بنده طه بر نامه و
سپاهدین و عمرای ملی را موقت می کند که برای
تثبیت حدا لیل سطح زندگی تمام کارگران
نسبتاً از ایا پی هزینه ها * تلافی کنند -

گذشته از ضربه ها می تثبیت دستزد به
نسبتاً از ایا پی هزینه ها که عمل آنرا تنها با ایداز
اقتصاددان مکتبی ای نظیر جناب بنی صدر
انتظار داشت و این بند بدون هیچ تعبیر و
تفسیری ، معنایی جز این ندارد که تسلطی
مطمینین به این برنامه ناگزیر تر چیست
ساعت از ارتقای حدا لیل سطح زندگی کارگران
خواهد بود چرا که تسلط سطح معیشت از میزان
حداقل آن ، بوضوح امری بوج و غیر ممکن است
هراس بورژوا - لیبرالهای مکتبی ما از برضمت

فدا شدن * از ایا پی دستمزدها به نسبت از ایا پی
هزینه ها * باعث شده است که ضحون این بغداد
برنامه کارگری آنها و ترواقع به اطمینان
عاطری به برنامه داران میلی برتر کسب
مبارزات طبقه کارگری را بهبود و ارتقای سطح
زندگی خود تبدیل خود

البته ما ما ملک تصمیم چنین فکر کنیم که
سپاهدین و اقامت خواسته اند چنین ضحونی را
بیان کنند - اما نکته ایست که کلی باقی و
پرهیزان گویی لیبرالی و "تلافی تر فرمول نسبی
مواد برنامه به نحوی که هم حقوقی به کارگران
و عده نا دستمزدهم نموده هم کارگران دلتون شوند
و هم بیوز و وازی رم نکنند کسار از ایدان
رسانده است که بنده از پیغری " حقوق کارگران
برنامه خیا هدین ، غفلتاً بنده فرم دفا : حقوق
مبارزه داران " از آ - تریها می دوزیم معنا و مفهوم
واقعی مستقر کل برنامه را بر همه می داند

رایجاً : آخرین و بهترین نکته و موضع
عمرای ملی مقاومت تر بود حق اعتبار کارگران
است تا این ساله از آنرو اهمیت تصمیم
کننده ای دارد که تنها تضمین تأمین واقعی
خواسته ها و حقوق کارگران نیروی خود طبقه
کارگر و اعتبارات و مبارزات کارگری تر برابر
تلافی همهگی و ولله نا پذیر طبقه سرمایه دار در
جهت تسلط و نفی هر چه بهتر این حقوق است
قا نون کاره هر اندازه هم که به نفع کارگران
باشد ترنها است مواد و احکامی است که بر کاغذ
نوشته شده است و و این تنها پستاده لوسی
است اگر تصور کنیم که وزارت کار و رفاهات و بهلیس
نظام سرمایه داری - حتی از نوع اسلامی ضحونی
آن - بهودی خوبی آنکه لغا را اعتراضات و
مبارزات کارگری را برگرداند خود می کنند



مدافع حقوق قانونی کارگران خواهند بود.
از اینرو هر برنامهای که حق اعتصاب و اعتراض کارگران را محدود و موقوف کند هر چند هم که در سایر زمینهها با ما مع ترین و بهترین حقوق را به کارگران وعده بدهد بیروا حق و عملاً هیچ حقی را برای کارگران برسمت نشناخت است. و برنامه عوزی ملی مقاومت بر این زمینه حق طلب را ادا کرده است.
بند ۳ برنامه، حق اعتصاب و هرگونه اعتراض کارگران را در صورتیکه لا مساومت آمیز باشد و فائده یا اعلام قبلی صورت بگیرد برسمت می شناسد؛ یعنی در واقع به کارگران اعلام میکند که: چنانچه در جمهوری اسلامی آتی بسد "تلاش های" تدریجی " مارشالیت ندادید و اراده کردید که برای احقاق حقوق خود بیست خیزیده موظفید که قبلاً به پلیس دموکراتیک اسلامی عده و پاسداران اسلام علوی ما خبر بدهید تا در صورتیکه اعتراض و اعتصاب عسار تساومت آمیز " تقدیم ندادیم و بتوانیم قانوناً و با خیال فارغ سرکوبتان کنیم!

الحق که و قیاحت ترا و این نمیتوان حقی را به منظور نفس صریح و قانونی آن برسمت شناخت!



ما به سازمان مجاهدین بابت اینکه توانسته است بعد از ۱۲ سال پیگیری منافع مستضعفین چنین حقوق بدیمی را به آنان اعطا نماید و از بابت اینکه سرانجام جامعه بی طبقه توحیدی معنای زمینی خود را در شکل یک جمهوری سرمایه داری لیبرال باز یافته است خبری که می گوئیم. در عین حال با این بورژوا-لیبرالها مکتبی با د آوری میکنیم که حقوق کارگران انضام و صدقه مستکبرین به مستضعفین نیست که خسار لطف میکنید و تلاش برای تأمین تدریجی و حتی-القدر بعضی از حقوقی را که کارگران ایران

در گذشته ناعه اند و با آنان وعده میدهد! بورژوا-لیبرالهای تازه بخوران رسیده ما که دیروز پرمارکسیسم مقدسه مینوشتند امروز بقا پر مالخ طبقه ای که کمر بندت آن بسته اند. فراموش کرده اند که حقوق کارگران یعنی از تشره کار و تولید خود آنانست که سرمایه داران بنا و آرزو کارگران میدوندند و حتی از این اصل ابتدایی منصور حقوق بهتر نیز دست بسته اند که بر غور باری از حداقل معیشت و مسکن و بهداشت حق ابتدایی و طبیعی هر انسانی است که میخواهد زنده بماند و زندگی انسانی ناعه باشد. اما مجاهدین هر چه را از گذشته ها فراموش کرده و بنور افکنده با عده مسلما بک نکته را از یاد برده اند: در حد و بقای نظام سرمایه داری جز با استوار کردن مستعسرو و افزون ابتدایی ترین حقوق بردگان سرمایه و امکان پذیر نیست. و البته تنها مجاهدین و بلکه هر نیرویی که به آردوی سرمایه پیوسته با عده نمی تواند بر دشوین بر نامه خود و پیروزه بعضی "حقوق کارگران" آن و این اصل حقیقی را مد نظر قرار نهد.

بعضی "حقوق کارگران" برنامه عوزی ملی مقاومت ما نند کلیت این برنامه و مطالبه مستضعفین و محرومان اما پروژه سرمایه داران نوشته عده است و همان نقد تمام می شود. گهریها و اعدای و غارتها و غنایرهای سیاسی سازمان مجاهدین و سایر بر کار لیبرالها و هدفی جز این ندارد که به بورژوازی ایران انطمینان خاطر دهد که:

جمهوری دموکراتیک اعلامی و جمهوری سرمایه داری و پاسدار نظام استعمار و نیم سرمایه دار ایران خواهد بود.

هیئت نقاب (پاچار)
ف. پرتو



نکاتی درباره: وظایف تبلیغی کمونیستها در قبال جنبش انقلابی خلق کرد

وجود خواستار دهمروزی ملی و قاطع خلق کرد و پرچم متمدن بساط جمهوری اسلامی نگردند؟ سرزمین ایران در این چند سال جمهوری اسلامی را بسیار خوب شناخته اند و تبلیغات کمونیستهای ایران نیز مگر در موارد استثنائی و در برابر این اطلاع ترین اقشار جامعه لزومی ندارد که بهر بخش کردن این وجه تبلیغات حکومت مکتب کنند. هرگز مینماید تبلیغی توجه و فلما لیت کمونیستها با بد همستگیا به توضیح مسائل سیاسی جمهوری و دورنمای واقعی این جنبش و فلما لیت کومه له به مثابه تبلیغی سروری پروولتری و بهر معنی از جنبش ملی و ملت محفوظ است. در این شماره به چند نکته اساسی که به تبلیغات ما ملحوظ نمود میپردازیم و امیدواریم بتوانیم در عمارت های بعد و جبهه دیگر مبارزه انقلابی زنده ای را که امروز در کرستان جریان یافته است. المقصود از زبان رهبران و فلما لیت خونبار این جنبش برای کارگران پهنه و ایران بهر کما نم.

۱) مسائل جمهوری جنبش انقلابی کرکستان کدامند؟

«ملت کرد ملتی تحت ستیم است که دواتر تجدید نظم جهان بهین نول امپریالیستی بدنیال جنگ جهانی اول بین چهار کشور منطقه تجزیه شده و حق تشکیل دولت ملی از آن سلب گشته است. وجود ستیم ملی همراه با وحتیانه ترین عیوه های سرکوبه عاملی برای عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی این ملت بوده است.»

از ۲۸ مرداد شمسی تا کنون فریب ۴ سال میگذرد و علمبردهم تبلیغات ناعیانه و تکراری جمهوری اسلامی مبنی بر قلع و قمع با صلاح «فدا انقلاب» در کرستان نه جنگ انقلابی در کرستان بر علیه نبردهای سرکوبگر و جناحها و جمهوری اسلامی با تمام قوا ایام دارد. اگر در ۲۸ مرداد ۵۵ توهمات سیاسی و وسیع در همان توهمات میم سلامت اندیشی و ساز و کاری با زمانهای مرده بسوز و باسی نظیر مجامدین خلق و غیره نفس های دلخکهای سیاسی نظیر حزب نموده و نیز سرکوب نبره های آزاد در ایران امکان میدهد تا چند میای تبلیغات نفوذی و بیگانه و مذهبی رژیم موثرا نقد بر حاکمان ایران بود و به لاف اول در خطوط کلی به عملت حق مطالبانه مبارزه مسلحانه ملی کرد بر علیه جمهوری اسلامی می برنند و تبلیغات حکومت بهی از بهی بر عکس خود و به عاملی برای رسوایی هر چه بیشتر این نوکران و میاهران تازه به دوران رسیده سرعصاب و امپریالیسم در ایران بدل شد. آخر چه کسی است که عرودمهای پیکسال قبل حکومت مبنی بر تار و مار شدن نبردهای جنبش ملی و اخبار «موشی» دولتی مبنی بر «فرا روزهبران به مرزها» را بهر طراورد و امروز از «خبر» بهروز بهی چند «خبرات در چند کیلومتر» متری بوگان و صفا با بد بهر تپه نهفتند؟ چه کسی است که اخبار بی نوی مبنی بر قتل عامهای رژیم در روستای کرستان را بهر نمود و تا نهد و قتلخانه این جنایات را از جانب خود رژیم صادر باعد و با تمام

پیروزی باد جنبش انقلابی خلق کرد



ملت کرد در کردستان ایران بارها علیه این ستامگری ملی و بخاطر کسب حق تعیین سرنوشت به مبارزه برخاسته است. این مبارزات که مستقیماً بر ضد حکومت دیکتاتور مرکزی ایران متوجه بوده در گذشته توسط روسای عساکره شیخ ها و فتواد لها و در بعضی ایام توسط نیروهای بورژوازی رهبری میشده است. این نیروها در باره بار رهبری مبارزات ملی نا بهنگر و بی معنای خیانتکار بوده و در کردستان نیز منافع زحمتکشان را با بحال کرده و آنان را مورد ستم قرار میدادند. اما اکنون با آمدن طبقه کارگر به عرصه مبارزه طبقاتی، دوره تاریخی رهبری طبقات استثماری کردستان ملی کردستان جای خود را به دوره ای که در آن جنبش ملی - دمکراتیک کردستان میتواند و باید به رهبری طبقه کارگر به سرانجام برسد. (نقل از برنامۀ کومه له برای خودمختاری کردستان)

کرد قرار گرفتن کارگران و زحمتکشان کردستان در راس مبارزه برای حق تعیین سرنوشت است و همین مهم ترین تحول در تاریخ مبارزات ملی در کردستان است. تحولی که از یک دوره ناهنجاری جنبش انقلابی خلق کرد و حال حاضر طی ساله ملی را بهار مساعد میکند و از سوی دیگر انقلابی در کردستان راستیما و عمیقاً با جنبش انقلابی طبقه کارگر سراسر ایران پیوند میدهد. حضور پرولتاریا به عنوان نیروی محرکه اصلی و رهبر جنبش ملی در کردستان امکان میدهد تا دامنهای جنبش از معدوده ایجاد تفهیراتی در مناسبات سیاسی - اناری سرودم کردستان با حکومت مرکزی فراتر رود و با ایجاد تحولاتی اساسی در مناسبات اقتصادی کردستان بنفع کارگران و زحمتکشان و نیز در تقویت کسب میان پرولتاریا و بورژوازی در کل کشور در چشم پ انداز این جنبش قرار گیرد.

بند فوق از برنامه کومه له برای خودمختاری کردستان به بدو نکته اساسی اشاره دارد. اول آنکه جنبش ملی در کردستان جنبش حق طلبانه و عادلانه است که غارچ از راه این با آن اهمیت و عزت و سازمان از با بعضی عینی اجتماعی خاص خود برخوردار است و لذا ما با م که این با بعضی عینی با بر جا هستند به اراده هیچ دولت و رژیم و ستادی از میان نمبرود. این جنبش جنبش بر سر احقاق حقوق ابتدایی با بحال شده یک ملت است. مبارزه مسلحانه در کردستان شکل قهرآمیز مبارزه برای کسب حقوقی است که دولتها ی مرکزی در ایران یکی پس از دیگری زهرها گذاخته و سرکوب کرده اند. ما با مکه ملت کرد وجود دارد و بیستم ملی با بان داده نشده است. مبارزه دمکراتیک برای کسب حق تعیین سرنوشت در اشکال مختلف ادامه خواهد داشت.

ارتباط تنگاتنگ جنبش انقلابی در کردستان با انقلاب سراسری کارگران و زحمتکشان ایران نیز چهار سال اخیرها کثرتن کاملاً بشیوت رهنده است. دوره نوین جنبش انقلابی در کردستان خود در بطن انقلاب سراسری ایران شکل گرفت و سپس خود به یکی از اساسیترین جبهه های تند و انقلابی بدل شدند. جنبش انقلابی خلق کرد در طی سالهای پنجاه و نه با راه تلاشهای ضد دمکراتیک و ضد کارگری جمهوری اسلامی را برای نفی کامل ستا و ردهای دمکراتیک قیام بهمن و سرکوب آزادی بر سر اسرا بران غنشی کرده است و در نده هوی جمهوری اسلامی در کردستان به نگرانی این واقعیت از جان نبره بران جمهوری اسلامی و کارمندان ریز و فرست منافع بورژوازی و امهرها لیس در ایران اخت.

کارگران ایران مذا فعمین بهنگر جنبش انقلابی در کردستانند. طبقه کارگر ایران هیچ نفی در ستامگری ملی ندارد و مستقل از سرکوب

دوم آنکه خصمه دوره نوین جنبش انقلابی خلق

نبردهای سیاسی در کرستان بدون قید و شرط از حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خویش دفاع میکنند دفاع بدون قید و شرط از حق تعیین سرنوشت سناهای جزا را لغت و سناهای سیاسی کرستان به آرا آزاد ملت کرد ندارد از نقطه نظر طبقه کارگر و کمونیستهای ایران هرگونه مخالفت نظامی و پیرو و کراتیک دولت مرکزی بر ما نیت از اعمال اراده آزاد ملت کرد در تعیین شکل حکومتی خویش محکوم و مردود است و با بقاطبانه بسا آن مقابل نمود. دفاع بدون قید و شرط از حق تعیین سرنوشت بعضی محدود فکرین آزادی ملت کرد در تعیین شکل حکومتی کرستان و این نوی تر نمود حق جدا نوی تشکیل یک دولت مستقل را غیر مورته که ملت کرد چنین اراده کند چهره میگردد ما بسا این نوده های وسیع کارگر و زحمتکاران را با ضرورت دفاع بدون قید و شرط از حق تعیین سرنوشت امروزه مردم ما باید با همه اشکال تبلیغات و عوینهنستی و عظمت طلبان تدبیر و آزادی و خرده پیوز و آزادی ایران مقابلسه کدهم ما باید تمام نبردها و احزابی را که مدعی دفاع از مصالح خلق کرداندا ما حق تعیین سرنوشت را تنها با شرط و قید و قهرها می نظیر فقط تمامیت ارزی و یکپارچگی ایران" تا نهد می کنند به مشایبه نبردها تنها هم اکنون آنها مات عوینهنستی خود را بر علیه خلق کرد برآمده و تارک می بینند و مدعیات لشکرکشی آتی خود را به کرستان فر احم می سازند در میان کارگران و زحمتکاران انصاف و ضروری کنیم کارگران انقلابی خواستار وحدت کلمه بخشهای طبقه کارگر ایران در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم اند طبقه کارگر ایران وحدت طلب است ما ما تمسک وحدت بطریق نظامی و پیرو و کراتیک را قاطبانه رد میکنند ما خواستار وحدت نا و طلبانیه ملل ساکن ایران هستیم و زهر الحاقی تهرامسز ملت های ساکن ایران به صورت نظر از هملت ارتجاعی

و ضد دموکراسی بوده مستقیما موجب تفرقه و ساقط طبقه کارگر ایران و تعیین سوسیالیسم و عوینهنستی در بعضی های مختلف آن میگردد و این عملا بسا از طبقاتی بیرون را و پیوز و آزادی در بعضی های مختلف ایران و دنیا لبروی کلرگران از نهانان طبقاتی خود در جها و چوب مرملت منجر میگردد طبقه کارگر ایران از جدا نوی آسیب میبیند اما کارگران و کمونیستهای ایران همواره و در همه حال لبریا ابر الحاقی اجباری ملل تحت ستم ایران استاده اند و خواهند استاده

امروز کارگران و زحمتکاران کرستان در برنا مه کومه له برای خود ستاری کرستان سرنوشت سیاسی مطلوب اکثریت قاطع ملت کرد و وحدت طلبی عمیق خود را با طبقه کارگر سراسر ایران به روشنی بیان کرده اند ما با بقاطبانه سراسر و همه با هم این توده های کارگر و زحمتکار در عسار و کرستان پیوسته موجود این برنا مه کلرگران به عرو و فعالین کمونیست سراسر ایران امکان میدهد تا خواسته های ملت کرد را از زبان کارگران و زحمتکاران کرستان با وضوح و ساحت برای توده های کارگر و زحمتکار سراسر ایران توضیح دهند و راه هرگونه تضییع و تخلف در اعلا فعا دلائل و جنبه انقلابی در کرستان را از جانب هر نیروی پیوز و آزادی و خرده پیوز و آزادی اعم از جمهوری اسلامی و بار فیهان نتیجه را معلی کرد قاطبانه کند

کومه له را و همه لبر میان کارگران و زحمتکاران ایران معرفی کنیم

جنبش ملی در کرستان جنبشی ما و را طلبانیه نیست و همان طور که گفتیم عمویت اصلی این جنبش در دوره ما نر خون پیوز و آزادی کرستان فر مسف مقدم و رهبری کننده این جنبش است سازمان انقلابی زحمتکاران کرستان ایران (کومه له)



نمایند آگاه و بهر و کارگران و زحمتکشان کرستان
 و تقویت جنبش انقلابی ترکرستان تنها از طریق
 تقویت بخش پرولتری این جنبش و سازمان سیاسی
 پرولتاریا ترکرستانه یعنی کومه له ها مکتب پرولتر
 است. در طول دوران پس از قاجار کومه له سه
 بدگیرانه موامع بهشتا ز پرولتری را در جنبش خلق
 کرد و در مواجعه با سائل منسوخ این جنبش
 نمایندگان کرده است. پرغور و کومه له به ما نور
 های مختلف سیاسی و بورشهای بی فزینی نظامی
 دولت اسلامی، مواجعه کومه له در قبایل میانشهای
 احزاب غیر پرولتری ترکرستان و خصوصاً ساج و
 تزلزلات آنان و بهر بهرنا و و جم انداز کومه له در
 زمینها زمانه ای ها کمیت بوده ای ترکرستان که
 تریرنا به کومه له برای خونستاری و وطنها معهای
 کدگر سوم این سازمان منعکس است. ملاک روحی
 برای تدخس دمکرا تسم به کمر پرولتری از
 ما چونایم و لبرای هم بورژوازی در جنبش
 مقاومت نیست مینهد. تبلیغات ما در خارج کرستان
 با پدایین مرز تعین کننده میان کومه له به معنا به
 پرچمدار دمکراسی انقلابی پرولتری و احزاب و
 سازمانهای بورژوا لیبرال ترکرستان را برای
 کارگران و زحمتکشان ایران روین کند و آنان را نه
 مزنا به دفاع از حق تعین سرنوشت بطور کلی بلکه
 به دفاع از میانشهای پرولتاریا ی انقلابی در
 کرستانه یعنی سیاستهای کومه له فراخواند.
 اما محدود کردن کومه له به سازمانی که جناح
 رادیکال جنبش مقاومت است را تشکیل مینهدنا درست
 است. بهرینه آنکه تبلیغات بورژوازی نهز اساساً
 ارائه تمهیدی محدود و محدود از کومه له بعنوان
 یک سازمان ملی - منطقه ای افراطی را هدف خود
 فرار داده است. بورژوازی و ارگانهای تبلیغاتی
 افراگانها به تریار ما هیت تبلیغاتی و اپدئولسوزی
 انقلابی کومه له سکوت میکنند. از جمهوری اسلامی

تا احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی امروزه همون
 از بی بی سی و غیره گزاری فرانسها تا ارگانهای
 تبلیغاتی هورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق
 همه در تلاش عمت برای کتمان حضور و جمع و تعمیم
 کننده کومه له در جنبش مقاومت و سکوت گسزاردن
 اپدئولسوزی سیاست و تریار ما کمونیستی سازمان
 کومه له و حدت عمل ما رنده. آنان از انسان به
 قدرت کمونیستیها در جنبش انقلابی خلق کرده
 هر اسفند به تمام او و میگویند تا حقایق رنده به سیک
 عدی و اقمی را با دوز و کنگهای مبتذل تبلیغاتی
 و تحریفات کاسیکا را اضا عبا را این جنبش پرده -
 پوشی کنند همراست آنان که ملا بجاست و روش های
 رها کارانها ان کینه و عداوتها است. ما با پدایین
 تمام توان خود با این سیاست ارتجاعی تبلیغی -
 غیر پرولتری و از راختنی گنهم ما با پدتر تبلیغات
 خود جایگاه ویژه ای بهرنا ساندن کومه له بهرنا به
 یک سازمان کمونیستی و پرولتری که صاحب نفوذ
 با یگا به گزراهای فرتوده های وسیع زحمتکشان
 کرستان انقلابی است اعتماد ما بهم -
 کومه له به یک سازمان کمونیستی سراسری است
 که اهداف و سیاستها و امانت تکلیفات آن بسیار از
 محدود کرستان و جنبش ملی - دمکراتیک فرانر
 محدود. کومه له بهرنا به یک سازمان کمونیستی و
 بنا بر تریار ما معنوی (برنا محزب کمونیست) وظیفه
 خود را سازماندهی پرولتاریا ایران برای انقلاب
 سوسیالیستی و حرکت قمال در امر بهرید انقلاب
 جهانی طبقه کارگر قرار داده است. ما بهرینه باید
 جایگاه تعین کننده کومه له را در میارزه بهرینه
 ما ر کسم انقلابی ایران در دوره اخیر تریارهای
 مختلف بر علیه و نیز یونسم و یوولسم بهرینه
 است برای کارگران ایران توضیح بهم. ما باید
 نقش حیاتی کومه له را را با محزب کمونیست طبقه

کارگران ایران فراخنده‌ای نزدیک خاطر نشان کنیم و کومه‌له را پیشاپیش یک سازمان حزبی قدرتمند و صاحب نفوذ طبقه‌کارگران ایران بطور کلی به توده‌های وسیع کارگران ایران بفخما سازیم.

نکته دیگر اینست که ما بدینرا من تا که ذکر نکند کومه‌له سبیل استواری تا کنهکی کمونیست‌ها در برابر اردوگاه‌ها و انقلاب و دشمنان دمکراسی و سوسیالیسم ایران بوده است. مقایسه موافق و عملگردهای کومه‌له در چهار سال اخیر با «انقلابیون تازه‌از راهرسیده‌ای نظیر مجاهدین خلق در تبلیغات ما بسیار آموزنده خواهد بود. ما باید از تاریخ زنده انقلاب ایران کمک بگیریم و به کارگران و زحمتکشان ایران توضیح دهیم که چگونه سوسیالیسم از آنکس زمانه‌هایی نظیر جاهدین خلق از مدینه -

سراسر برای «مهر خمینی» همان سبت برقرارند. بسیار بهتر از آنکه بدان از مرحله‌ی نو از زخم استرا تا نزدیک خود میبایست بر فغانی بر فراها پس به صورت نام خمینی و توده به پیشین برای عظم «غاشنه کردستان» و بهی -

گهر کردن میبایست خود به این و آن آیت الله و نهاد نظامی جمهوری اسلامی گذر کنند و به مرحله سهیم میبایست متفکر کردن استرا تا نزدیک با امدادان و اما چشما و دیگر گرفتاری رئیس جمهورها غیر گذارنده کومه‌له نیروی خود توده‌های کارگران و زحمتکش در

کردستان را برای مبارزه مسلحانه توده‌های علیه جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت میکرده است. ما باید به توضیح دهیم که چگونه کومه‌له کمونیست در

زمانی که با زمانه‌های غرور بورژوازی اینطور سهون و نظیر معاصره‌یین خلقه نیروهای خود را به چینه چنگ باغرای گسیل میگرداند و خدا کفر از ادبوا همگان این بود که «حزب ارتجاعی حاکم» را از تضعیف رئیس

جمهور محبوب بر حفره زنده کومه‌له در کردستان چنگ عظیم زحمتکشان را بر علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی هدایت کرده و با رهاها برهم کوبیدن تسولتله‌های

نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی سزگهای دمکراسی را نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران باز میگرداند. تاریخ بر افتخار کومه‌له بی‌شک در سال اخیر تاریخ استواری کمونیستها بر گرفتاری دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگران ایران است و هر کارگر ایرانی با دیدن تک تک لحظات این تاریخ بعنوان تاریخ تولد طبقه خود به مثابه طبقه‌ای آگاه به منافع طبقاتی آشنا و آگاه خواهد بود.

۲) موقعیت کنونی و دورنمای جنبش انقلابی در کردستان چیست.

اگر بنا بودیم سخن این سوال را در اخبار رسمی دولتی جستجو کنیم میباید این نتیجه می‌رسیدیم که تا قبل از ارتقا ر همین شماره کارگر کمونیست لشکر

کوردستان اسلام با مدد ز راه‌ها اهدا می‌شده‌اند و اینها اولین بزرگ و کوچک اثری از آثار جنبش انقلابی در کردستان بر جانخواهد گذاشت (ما وظایف تبلیغی ما در این زمینه نمیتواند و نباید به اتمام کردن پیوسته

تبلیغات رژیم محدود بماند. ما باید توجه کارگران و زحمتکشان را بر روی اهداف صحیحتری که میبایست با یو جانی ورعد و تکامل جنبش انقلابی در کردستان است جلب کنیم. همه بطوریکه بهتر گفتیم

جنبش انقلابی در کردستان از زمینه‌های عیسی و مادی اجتماعی معینی برخوردار است. این یک حرکت مسلحانه هر یکی نیست که گروه‌ها زمانی به اختیار خود و برای مثال با معاصره موقعیت مساعد کوهستانی و جنگلی منطقه میبایست آنرا آغاز کرده

بماند. و به همین اعتبار از این جنبش جنبشی نیست که با اعزام داوطلبان به مزدورهای روستاها و ارتقای سرکوب خواهد بود. این نکته‌ای است که کما لیکه جنبش خلق کرد را با فلان اقدام مسلحانه ابتدا بهسا کن

فلان سازمان در جنگلهای شمال و کوهستانهای فارس قیام میکنند. کاملاً به فراغی سوزده‌اند. مبارزه

قیام میکنند. کاملاً به فراغی سوزده‌اند. مبارزه

انقلاب و پروتارهاست و پس از آن مجاهدین
و سلطنت طلبان ... نمیتوانیم موافق با هم به
دو دلیل :

اولاً از این جهت که عملکردهای سیاسی و
اجتماعی مذهب رژیم جمهوری اسلامی برکسی
بوعهده نیست - همانگونه که بدکه : « سال است
که بورژوازی مذهبا همچون سلاح سرکوب آغکار به
کار برده است » - هم کارگران و زحمتکشان از مذهب
ناکسی که جل و پلای زنان و کودکان را بحکم
شرع انور از خانه اجاره می برون رهنده و آواره -
شان کرده است و جنگها نشان بزا داری که چنان
نا میدهند سرکوب انقلاب و عوراهای کارگری و
سازمانهای پیغمروکارگری و کمونیستها که مبارزه
با کثروالعا د نا میدهند ... همانگونه که این
حقیقت نشان داری که عملکردهای اسلامی
جمهوری اسلامی نزد توده های کارگری و زحمتکشان رسوا
گشته اند و نفرت آنان را برانگیخته اند نه بر این
صورتیکه چنین افشاگری و چه گری از طبقه کارگر
و بخصوص کارگران کمونیست باز خواهد کرد ؟
بگذارید مجاهدین و سلطنت طلبان به این افشا
گری برای عقب مانده ترین و متوحم ترین اقشار
مردم مشغول باشند و ما به مسلمات یعنی پیغمروان
طبقه کارگر بپردازیم .

آنان را صرف مقدم جمله " قرار نداد - برعکس
از آنرو که یک چنین نبروهایی با اسلام استیمنه
واقعی و علوی و غیره نمود در برابر اسلام فاشیستی
رژیم جمهوری اسلامی و غیره میا رزه طبقاتی حضور
فعال دارند و برنا معا و سیاستهای بورژوازی بود
را با مذهب تشویزه و توجیه میکنند و از آنجا که
نتایج عملکردهای اجتماعی و سیاسی مذهبها نشان
چون رژیم جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر آشکار
نگفته است و ضروری است تا قبل از هر چه بر سرورد
کمونیستها متوجه اینان باشد .

مقالات ما قرار نیست " هم کارگران و مستعبدگان
ایران را از مذهبی که حکومت میکنند ستم میکند
و بسا روقیها نه و چنانکه ازانها از سرمایه و تمسای
نکتهها بیرون ناع میکند منعکس نماید " - چنین
انکاسی تنها میتواند توضح آنچه باشد که
" کارگران و مستعبدگان ایران " از قیصل بدان
واقف هستند مقالات ما با بدکارگران را بر آنچه
نمیاندند و اقتضا زده بخصوص اینکه این عدم آگاهی
میتواند بکبار دیگر به تجربه عملکردهای جمهوری
اسلامی تحت عنوان جمهوری دمکراتیک اسلامی
منجر گردد .

✦ رفیق احمد

مقاله بدون عنوان عما در مورد نقد جنگ کار
سازمانهای یهودیستی دربارت عهد - این مقاله
دارای اشکالات و نواقصی است که ما را از حساسیت آن
ترکا و گر کمونیست معذور میسازد - ما کوشش کرده ایم
دائمت تا از نکات مثبت مقاله عما را برونزدیم مقالات
نبروهها استنادها کافی بعمل آوریم .
از همکار ری صمیمانه با کارگر کمونیست و دوست
متفکریم .

ثانیاً از این جهت که مدافع اصلی مذهب را
توده های رژیم جمهوری اسلامی یعنی عوام - تقریباً تمام
سازمانهای سیاسی اپوزیسیون بورژوازی رژیم
یعنی مذهب دولتی هستند و بخصوص نبروهایی
بورژوازی همچون خلق و عورای ملی مقاومت و رسا و
علاقه ای حکومت مذهبیا جانشیناری میکنند - نمیتوان
بدین دلیل که چنین نبروهایی هنوز امکان
نداشته اند تا به کار برنده مذهب بعنوان پایه
ایندولوریک سیاستهای دولت بورژوازی عوامی
باخته و آنان را مدافع اصلی مذهب نمانندند و



* رفیق رحمان به پیشمرگ کومه له برای مسأله نوشته اند:

" مقاله " کمونیستها مجاهدین و مذهب " در کارگر کمونیست شماره ۶ دربر میگیرد به مذهب روشی چه روانه اعتدالات و غیره اختصاصات و نهضیات معینی روستا لیان کردستان را در نظر نگرفته است. ما باید اینگونه مطالبی را برای کارگران شهری مفید و قابل استفاده بدانیم ما با توجه به این نکته کارگر کمونیست بطور وسیع در کردستان پیش می رود. چاب این مقاله اصولی نبوده است "

بها اعتقاد ما پاسخ رفیق در مقاله " تبلیغ پرورده و عبور پرولیتسری تبلیغ " رحمان شماره کارگر کمونیست به روشی داده شده است. ما قبلاً از هر چیز مطالبی که جدید آن مقاله را به رفیق رحمان نوشته ایم کنیم. اما شاید ذکر و توضیح نکرده تاریخ ای برای درک بهتر موضوع مفید باشد.

کمونیستها موظفند حقایق جامعه و مبارزه طبقاتی را در هر شرایطی برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهند. نهضت خود را بدون توجه به ای زحمتکش و نهضتی است که مداوماً توسط بورژوازی و جامعه بورژوازی تحکیم می شود و انعکاس نظرات و آراء طبقات حاکمه است. ما نه تنها نباید به این نهضت تمکین کنیم بلکه اساساً اولین وظیفه ما در هم شکستن اصولی تعصبات و توهمات غیب مانده و جایگزینی آنها با درک روشنی از منافع طبقاتی است. تبلیغ اصول با پایه ای کمونیسم اصولی که انعکاس مستقیم منافع طبقاتی کارگران و استثمار شونده گردان جامعه است و نه تنها چه روانه نهضت بلکه وظیفه همیشگی ماست و تنها چنین تبلیغی است که میتواند در خدمت قدرت گیری نهایی جنبش کارگری ورعد آن قرار گیرد.

در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی علیه کردستان

فرمان چاه داد. او با عنوان هم عظمت طلبانه ملت فارس و نهضت معینی و توهمات سیاسی توده های وسیع را به خدمت گرفت و توده وسیعی از کارگران و زحمتکشان را بر علیه خلق کردستان حاکم طلبانه و بر علیه رهبران و مبارزان سیاسی ملت کرد به خدمت کشید. او خلق کرد را گامی از جنبش طلب خواستار نهضت جوی از زحمتکشان نامید و نهضتی بوجود آورد که زحمتکشان بسیار را در دست بردارای منافع طبقاتی خود برای منافع ملی جنبشی خلق کرد قرار گرفتند. برای این همان وظیفه کمونیستها چه بود؟ آیا اگر آنها همان قدر نفی رحمان برده سالها پیش در میگردند و دنیا بد ما تقدیم میگردند، ملک و ممالک زمانهای امروز نهضت و شور و نهضت، ظاهر و نهجبران را تا حدی که کمونیستها چنین موضعی میگردانند: " دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق کرد و دفاع از زمانهای انقلابی آن چه روانه است زیرا نهضت و تعصبات توده های زحمتکش را بر نظر نمیگردد. ما نباید به موضوع اصولی خود را بر این اساس تعصبات و تعصبات بدانیم. ما نمیتوانیم از حق تعیین سرنوشت خلق کردستان جدا می دفاع کنیم مردم نمی پذیرند... "

رفیق رحمان در مقاله لطافه تمسق کنید. آیا خود شما حاضر بودید نهرویی را که در مقابل نهضت ناموس و نالینتی و نهضتی توده وسیعی از مردم غیر کرد نران مقطع تزلزل به خرج میداد و حتی يك گام از موضع اصولی کمونیستی عدول میکرد؟ کمونیست بنا میاید و با بهادری دست و دست بدهید؟ (علاوه بر این نکته تعصبات عمومی نران مقطع چنان عظیم بود که با نهضت معینی مردم کردستان نیز ارتباط حاضران بنا قابل مقایسه نبود). آیا موضع اصولی ما زمانهای کمونیستی مانند ام.ک که نران مقطع بدون فهد و شرط از جنبش خلق کرد دفاع کرده اند

بقیه در صفحه ۱۶



بقیه از صفحه ۲۹

مشاوران عدل فخری می اما مدای و مف کسار گسرای و
و مستکفان کردستان از بیروزواری و هر دهنوروزواری
فریرون جنبش ملی است. بیاروی آوری هر چه بهتر
کارگران و زحمتکشان کردستان بنا به جاد من مستقل
خوبی تحت پرچم کومه له جنبش ملی بطنور کلس
استحکام می با بدویش از بهی از رهبری اشوارو
بهگیری برخوردار میگردد.

ما مل نوم که خود پرورد این فطرت بندی
طبقاتی در کردستان متکی است تنها مل اینشود
لوزیکه سیاسی و عملی - تفکلاتی سازمان کومه له
است. اینجا ه تلاش آگاهانه مارکسیسم انقلابی
برای و داغ با مراث عقب مانده و ست و با گسار
تفکر و عمل هر دهنوروزواری در مفسوف جنبش
کمونیستی ایران نفی تعیین کننده ابقا کرده و
میکنند. استحکام نظری و عملی کومه له و بسط و بسوه
استوار عدل هر چه بهتر آن بر موازین کار کمونیستی
بر جنبش طبقه کارگر و جنبش ملی در کردستان آن
خاص تعیین کننده ای است که آ پنده ای امید بهی
را برای جنبش انقلابی در کردستان و کسار گسرای و
زحمتکشان لعال برای جنبش ترسیم می کند.

بدی است که این دورنمای مساعد به بهی های
جبری تحقق نمی پذیرد. اما نکته اساسی اینجاست
که شرایط عینی جنبش انقلابی در کردستان مساعد
ترس زمینه ها را برای پیشروی کارگران و زحمتکشان
کردستان تحت پرچم کومه له آماده ساخته است و
پیشروی و پیشروی این جنبش بهی از هر زمان دیگر
بهین گیری و استواری کمونیستها فرا سرانجام
موازین سیاسی و عملی کمونیستی، موازینی که
پلنوم کمیته مرکزی کومه له در دیماه سال ۶۱ تصد

عود را به آن اعلام نموده است میگی یافته است -
تبدیلات ما بپوه با بدین سیر تکاملی
طبقاتی و تفکلاتی در جنبش ملی کرد برای کارگران
ایران تودنج بعد و آنان را قادر سازد تا نیروی
اعبار کلی نظامی و عا عسای عمومی به سرگشت و
عقب نشینی جنبش انقلابی در مناطق مختلف
سرخسرت گیری و انجام روزا لزون طبقه سوسیالیستی
فرا این جنبش را تعیین دهد و به آن عا بهر ماند -
دورنمای جنبش مقاومت در کردستان یک دورنمای
عموم خلقی نیست - سر و دست طبقات و احزاب سیاسی
فرا این جنبش یکسان نیست و طبقه کارگر ایران نباید
بتواند به پوه آن تحولاتی را که زمینه قدرت گیری
بخش پرولتری فرا این جنبش و مینای ای افا نه گساری
و پیشروزی نهایی جنبش انقلابی خلق کرد است به
تقت بهناسد.

مهاوی جمهوری اسلامی میلی به سرگشت
انقلاب در کردستان میا هوی بونگ و تو هالی است
واقعیتهما تنها از کا ملا متفا وتی راهپاروی ما
گسترده است - امروز عا مل و زمینه های مساعد
بسیاری برای فراهم عکسه عدل مجدد پیشروی
مذیوحا هر چه به کردستان وجود دارد و جنبش
انقلابی خلق کرد از این توان برخوردار است تا
دهتها ا بقا ر عمل در عرصه های مختلف مبارزه بر
علیه جمهوری اسلامی را بدست گیرد، بلکه بسا
و ا را و ر دن شرایط کاری بهر بهر فروت و به سیده
جمهوری اسلامی، بار دیگر روند اوضاع سیاسی در کل
کنور ا بقلع انقلاب و دمکراسی انقلابی دیگرگون
سار د.

منصور حکمت

کارگران جهان متحد شوید!